

مسائل نوپدید آینده اجتماعی



لله الحمد لله الرحمن الرحيم

شماره مسلسل:

۲۱۶۸۶



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:

۱۴۰۵/۴/۲۳

عنوان گزارش:

مسائل نوپدید آینده اجتماعی

نوع گزارش: طرح / لایحه □ راهبردی ■ نظارتی □ پیش نویس قانونی □

نام دفتر:

مطالعات بنیادین حکمرانی (گروه آینده پژوهی)

تهیه و تدوین کنندگان:

احمد کوهی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، علی عابدی کمالی (گروه آینده پژوهی)

مدیر مطالعه:

علیرضا نصر اصفهانی

ناظر علمی:

مهدی عبدالحمید

اظهار نظر کننده:

محمد تقی ضرغام افشار (دفتر مطالعات اجتماعی)

همکار:

سعیده مرادی فر (گروه آینده پژوهی)

گرافیک و صفحه آرایی:

سعید احمدعلیزاده

واژه‌های کلیدی:

۱. مسائل نوپدید

۲. رصد منظم و ساختار یافته

۳. آینده فضای اجتماعی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۲/۰۱/۰۱



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۸
۲. موضوعات نوپدید.....	۸
۲-۱. نمودار (اس).....	۹
۲-۲. فواید تحلیل موضوعات نوپدید.....	۱۰
۲-۳. شیوه به دست آوردن مسائل نوپدید و نقش خلاقیت و نوآوری در آن.....	۱۱
۲-۴. شیوه جمع سپاری و خلاقیت جمعی در یافتن مسائل.....	۱۲
۲-۵. چگونه می توان از رادار موضوعات آینده استفاده نمود؟.....	۱۲
۳. مسائل نوپدید آینده اجتماعی.....	۱۳
۳-۱. مسائل مربوط به آسیب های اجتماعی.....	۱۳
۳-۲. مسائل مربوط به سرمایه اجتماعی.....	۱۷
۳-۳. مسائل مربوط به جریان های اجتماعی.....	۲۰
۳-۴. مسائل مربوط به نهادهای اجتماعی.....	۲۲
۳-۵. مسائل مربوط به سبک زندگی.....	۲۴
۳-۶. مسائل مربوط به هویت و معنا.....	۲۹
۳-۷. مسائل مربوط به فرهنگ و سواد.....	۳۱
۳-۸. مسائل مربوط به ابزارها و فناوری های اجتماعی.....	۳۳
۳-۹. مسائل مربوط به گروه های مرجع اجتماعی.....	۳۵
۴. جمع بندی و نتیجه گیری.....	۳۶
۴-۱. پذیرش تغییرات آینده و مواجهه اصولی با آن.....	۳۷
۴-۲. رصد مسائل نوپدید آینده.....	۳۷
۴-۳. اختصاص ۲۰ درصد از توان سیاستگذاری به مسائل نوپدید آینده.....	۳۷
منابع و مأخذ.....	۳۸

فهرست شکل ها

شکل ۱. منحنی (اس).....	۹
شکل ۲. رادار مسائل نوپدید آینده فرهنگی-اجتماعی.....	۱۳



مسائل نوپدید آینده اجتماعی

Doi: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21686>

چکیده



مسائل نوپدید آینده اجتماعی، بخشی از داده‌های جمع‌آوری شده در رویداد ملی نوآیند را در قالب رادار آینده ارائه می‌نماید. این مسائل با مشارکت جمعی از اندیشه‌ورزان و متخصصین عرصه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی احصا شده و در طول مراحل مختلف داوری شده و نهایتاً در قالب ۹ دسته از مسائل تدوین شده است. این گزارش در تلاش است تا با استفاده از نگاهی نظام‌مند به وضعیت آینده اجتماعی کشور، برخی از مسائل پیش‌رو در این زمینه را بیان نماید. از جمله مسائل مطرح شده می‌توان به مواردی همچون بروز اشکال مدرن جنگ‌های اجتماعی، مخدرهای دیجیتال، بروز و شکل‌گیری ادیان فرد ساخته، جریان‌های معنوی نوظهور جنسیتی (زنانه)، شدومن‌ها (انسان سایه‌ها)، بی‌وطنی، حفاظت معنایی از میراث فرهنگی، فیک نیوز، دیجیتالی شدن هویت، قل‌های دیجیتال، تجربه‌های معنوی با علوم شناختی و مداخلات ژنتیکی اشاره نمود. ضرورت توجه به مسائل نوپدید آینده در نظام قانونگذاری کشور انکار ناپذیر بوده و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. با توجه به ماهیت مسائل نوپدید آینده و پیامدهای متعددی که می‌توانند داشته باشند، سه پیشنهاد در فرایند سیاستگذاری ارائه می‌شود: درک تغییرات آینده، مسائل نوپدید به رسمیت شمرده شود؛ مسائل نوپدید مورد رصد منظم و ساختار یافته قرار گیرد؛ حداقل ۲۰ درصد از توان سیاستگذاری به مسائل نوپدید آینده اختصاص یابد.



بیان / شرح مسئله

گزارش مسائل نوپدید آینده اجتماعی با هدف درک تغییرات آینده و بیان مصادیقی از تغییرات رخ داده در قالب مسائل نوپدید تدوین شده است. این گزارش ذیل کلان پروژه آینده‌نگری در مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است. داده‌های این گزارش از طریق مشارکت جمعی اندیشه‌ورزان و متخصصان عرصه‌های مختلف جمع‌آوری شده است. داده‌های اولیه پس از مراحل مختلف داوری بررسی‌های کارشناسی در قالب ۹ دسته‌بندی ارائه شده است. مسائل ارائه شده بخشی از موضوعاتی است که می‌تواند در آینده فضای اجتماعی کشور مورد توجه و چالش برانگیز باشد. از جمله مسائل مطرح شده می‌توان به مواردی همچون بروز اشکال مدرن جنگ‌های اجتماعی، مخدرهای دیجیتال، بروز و شکل‌گیری ادیان فرد ساخته، جریان‌های معنوی نوظهور جنسیتی (زنانه)، شدومن‌ها، بی‌وطنی، حفاظت معنایی از میراث فرهنگی، اخبار جعلی، دیجیتالی شدن هویت، قل‌های دیجیتال، تجربه‌های معنوی با علوم شناختی و مداخلات ژنتیکی اشاره نمود.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

شناسایی مسائل نوپدید آینده و مواجهه پیش‌دستانه با آنها می‌تواند فرصت‌های متعددی را به وجود آورد و امکان مانور را برای سیاستگذار فراهم کند. فایده دیگری که شناسایی مسائل نوپدید آینده می‌تواند برای نظام سیاستگذاری داشته باشد افزایش میزان خلاقیت و نوآوری در فرایند سیاستگذاری است؛ چرا که با توجه به مسائل نوپدید آینده، نوآوری در استفاده از ابزارها و حضور نگاه‌های جدید نسبت به مسائل را تأمین می‌نماید که همین نگاه‌های جدید و نوآورانه به مسائل امروزی هم می‌تواند کشیده شود.

پیشنهاد و راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

مطالعه مسائل نوپدید آینده و حضور آن در نظام سیاستگذاری اقدام جدید است که در مرکز پژوهش‌های مجلس آغاز شده است؛ هر چند مطالعه موضوعات نوظهور در نهادهای مختلف صورت می‌گرفته است. به هر روی، این اقدام نوآورانه فرصت‌هایی را برای نظام سیاستگذاری کشور فراهم نموده است. در این گزارش سه پیشنهاد کلی برای توجه به مسائل نوپدید آینده ارائه شده است که عبارت‌اند از:

- پذیرش تغییرات آینده و مواجهه اصولی با آن؛
- رصد مسائل نوپدید آینده؛
- اختصاص ۲۰ درصد از توان نظام سیاستگذاری به مسائل نوپدید آینده.



۱. مقدمه

تغییر، مهم‌ترین دلیل برای توجه به آینده است. البته نه فقط اصل تغییر، بلکه سرعت تغییرات نیز عامل مهمی در وادار کردن ما به تفکر به آینده و حدس مسئله‌های نوپدید است تا سبکی را در پیش گیریم که کمترین خسارت‌ها و بیشترین سودمندی و فواید را بتوانیم کسب کنیم. محیط متلاطم و پر تغییر کنونی اقتضا می‌کند، اصل تغییر در همه مراحل تعریف مسئله، شناخت مسئله و طراحی راه‌حل‌ها، سرلوحه فعالیت‌ها باشد. در دنیایی که تغییرات به کندی صورت می‌گیرند، می‌توان مسئله‌ها را براساس الگوهای تجربه شده به دست آورد و برای آنها سیاستگذاری و برنامه‌ریزی نمود. ولی در دنیایی که شتاب تغییرات گسترده شده است، مسئله‌ها به طور سریع به روز می‌شوند.

برخی از دانشمندان مطالعات آینده، «شتاب تغییرات» را به عنوان پدیده‌ای نو و جدید معرفی کرده‌اند که نشان دهنده واقعیت‌های تحولات تکنولوژیک و اجتماعی امروز ماست. شتاب، افزایش قابل توجهی در میزان تغییرات تکنولوژیکی در طول تاریخ است که می‌تواند تغییر سریع‌تر و عمیق‌تر در آینده را نشان دهد یا می‌تواند با تغییرات اجتماعی و فرهنگی به همان اندازه عمیق همراه باشد. شتاب تغییرات نشان دهنده تغییر در تغییر است. سرعت تغییر نیز در عصر فعلی عوض شده است. علاوه بر این، الگوی تغییرات نیز تغییر کرده است. همه این میزان تغییر به ما نشان می‌دهد که ما در آینده با مسائل و موضوعاتی مواجه خواهیم بود که درک سابق از آنها نداریم.

درک صحیح موضوعات نوپدید نیازمند رصد آینده‌نگرانه است؛ رصدی که به پویش تحولات بپردازد و با پایش مستمر آنها بتواند علائمی را که نشان دهنده مسئله‌های نو هستند نمایان سازد. این نوع رصد پیش‌نگرانه، پیش از وقوع رخدادها و پیش از نمایان شدن مسئله‌های بغرنج به هشدار درباره آن می‌پردازد. سیستم‌های هشدار به ما این اطمینان خاطر را می‌دهند که زمان کافی برای مواجهه با مسئله داشته باشیم و از یک موضع پیش‌دستانه در مورد آنها برخورد داریم. تصمیم‌گیری پیش‌دستانه، اقتضا می‌کند دایره نگاه از موضوعات روزمره فراتر برده و اندکی دور دست‌تر مشاهده شود و برای آن آمادگی به وجود آید.

توجه به موضوعات نوظهور در زمان شکل‌گیری، بستر فرصت حداکثری برای جهت‌دهی و تعامل صحیح با موضوع را فراهم می‌کند و قبل از تبدیل شدن موضوع به مسئله‌ای پیچیده و غیر قابل کنترل، دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده را وادار به اخذ تصمیمات پیش‌دستانه در آن مورد می‌نماید.

۲. موضوعات نوپدید



منظور از موضوعات نوپدید، آن دسته از موضوعاتی هستند که این ظرفیت را دارند تا به جریان‌ها و روندهای بزرگ و اثرگذاری در آینده تبدیل شوند. این موضوعات در رصدهایی که به دنبال کشف نشانه‌های تغییرند، قابل رؤیت‌اند. آنها موضوعاتی نیستند که برای همگان واضح و آشکار شده باشند، ولی دارای نشانه‌هایی عمدتاً ضعیف در محیط هستند که آنها را قابل پیگیری می‌کند. موضوعات نوپدید به مثابه بذرهایی از تغییرند که در حال جوانه زدن‌اند [۱]. چه بسا به زودی تبدیل به گیاهی بزرگ و تنومند شوند که مدیریت و مهار کردن آنها دیگر کاری بس دشوار خواهد بود. ما با رصد بذرهایی تغییر و موضوعات نوظهور و تحلیل نقش آن در روندهای تحول آینده از هم اکنون می‌توانیم نسبت به استفاده مناسب از آنها و یا مهارشان برنامه‌ریزی لازم را انجام دهیم [۲].

تحلیل موضوعات نوپدید^۱ به دنبال شناسایی موارد در ابتدایی‌ترین زمان پدید آمدنشان است، تا به این واسطه بتوان در راستای استفاده از

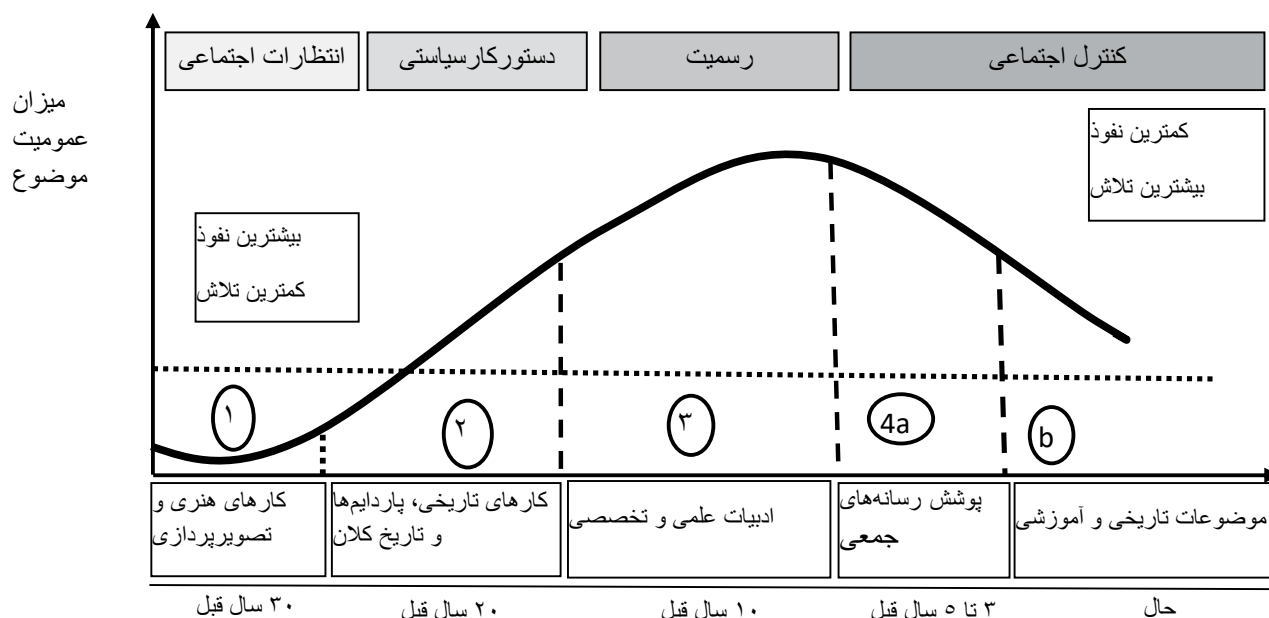
فواید احتمالی و جلوگیری از مضرات احتمالی آنها به نسبت آینده مطلوب افراد و مؤسسات متقاضی اقدام به عمل آورد. تصمیم گیرندگان عمدتاً با مشکل / فرصت های فعلی سروکار دارند. بیشتر پیش بینی های آینده مبتنی بر روندها و شناسایی تحولات کمی قابل مشاهده در طول زمان است. ولی تحلیل موضوعات نوپدید راهی است برای شناسایی چیزهایی که ممکن است، ۱. روندهای موجود و فرایندهای فعلی را مختل کنند، یا ۲. خود به روندهای جدیدی تبدیل شوند که در نهایت ممکن است به مشکل / فرصت تبدیل شوند. هدف از شناسایی هر دو روند و مسائل نوپدید این است که تصمیم گیرندگان را قادر می سازد تا قبل از تبدیل شدن به یک مشکل / فرصت کاملاً بالغانه با آنها مقابله کنند [۳].

۱-۲. نمودار (اس) ۲

مدل منحنی (اس) یک نمایش گرافیکی از چگونگی تکامل یک روند یا یک نوآوری با گذشت زمان است. این مراحل رشد، بلوغ و افول روندها یا نوآوری ها را نشان می دهد. شکل منحنی شبیه همین حرف در انگلیسی است، از این رو می تواند به شناسایی موضوعات نوپدید در مراحل اولیه پیدایش کمک کند، و همچنین این منحنی نشان دهنده روندهای بالغ یا رو به سوالی که در حال حذف یا محو شدن هستند و همچنین جایگزین های جدید آنهاست.

حرکت از یک موضوع نوظهور به یک تهدید / فرصت از منحنی رشد (اس) پیروی می کند. یک دوره اولیه ظهور و رشد اولیه آهسته وجود دارد، به دنبال آن یک دوره رشد سریع به عنوان یک روند، و در نهایت در هنگام صاف شدن خط رشد، به عنوان یک موضوع بالغ نمایان می شود. پس از این، موضوع شاید به طور کامل از بین برود یا رو به افول برود و در این لحظه یک بار دیگر چرخه دیگری برای موضوع جدید در حال آغاز شدن است و به این گونه منحنی های (اس) با هم تداخل دارند [۳].

شکل ۱. منحنی (اس) [۴]



1. Emerging Issues Analysis
2. (S)



۲-۲. فواید تحلیل موضوعات نوپدید

تحلیل موضوعات نوپدید، فواید و نتایج و دستاوردهایی دارد که پرداختن به آن را در نظام حکمرانی و حل مسئله، از یک کار مفید فراتر می‌برد و به ضرورتی غیرقابل انکار تبدیل می‌کند:

۲-۲-۱. فرصت پیشگیری از مسئله (پیش‌دستی)

پرداختن به آینده، یک نوع از پیش‌دستی را به افراد و سازمان‌ها می‌دهد که بتوان پیش از وقوع مسائل به آنها پرداخت و از وخامت اوضاع یا تهدیدهایی که ناشی از مسئله می‌تواند باشد جلوگیری کند. کشورهایی که پیش از وقوع همه‌گیری کرونا، با نسخه‌های خفیف‌تر آن مثل ابولا مواجه شده بودند، مواجهه بهتری داشتند. تجربیات داخل کشور هم نشان می‌دهد موفقیت‌هایی مانند نانو، موشکی به‌علت پرداختن به موقع و در مراحل اولیه رشد موضوع حاصل شده است.

۲-۲-۲. زمان فرصت‌سازی از مسئله

در مقابل تهدیدها و چالش‌هایی که ممکن است برای هر مجموعه و کشوری پیش آید، دو راهبرد عمده ممکن است اتخاذ شود: ۱. مقابله با تهدید و کاهش اثرها، ۲. ساخت فرصت از تهدید. در صورتی می‌توان به کشف فرصت از دل مسئله‌ها دست یافت که در مراحل اولیه ظهورش به آن پرداخت. در صورتی که مسئله تبدیل به مسئله، معضل یا بحران شود، بیشتر تمرکز تصمیم‌گیری بر عبور از آن متمرکز می‌شود و وضعیت بحرانی اقتضا می‌کند که نوع مواجهه با آن صرفاً در قالب بحرانی باشد و نتوان به خلق فرصت‌های بلندمدت فکر کرد.

۲-۲-۳. امکان افق بلندمدت آینده برای حکمرانی

پرداختن به مسئله‌های نوپدید، راهی است برای رهایی حکمرانی از روزمرگی و پرداختن به مسائل بلندمدت آینده. سیستم‌های بوروکراتیک پس از مدتی بیش از هر چیز دیگری به حل مسئله‌های خود مبتلا می‌شوند و از هدفی که برای آن تأسیس شده‌اند فاصله می‌گیرند. مسئله‌های نوپدید نظام تصمیم‌گیری را از چسبیدن به مسائل روز برحذر می‌دارد و به‌سوی آینده پرتاب می‌کند، تا به تدریج بتواند افقی بلندمدت را برای خود ترسیم کند.

۲-۲-۴. پر کردن گسل‌های زمانی و نسلی

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات معاصر حکمرانی و تقنین، ناتوانی در ارتباط گرفتن با نسل جدید است. تصورات ذهنی و اولویت‌های بسیاری از مسئولان در حکمرانی، متناسب با نسل قبلی از مسئله‌ها و ابزارهای حکمرانی است و این باعث شده است که نسل نو با فضای سیاستگذاری ارتباط درستی برقرار نکند. نوجوانان نسل جدید معمولاً با مسئله‌های نوپدید ارتباط برقرار می‌کنند و آنها را مسئله‌های خود می‌دانند. این نسل که معمولاً فناوری‌گرا هستند، علاوه بر اینکه مسئله‌ها را در چارچوب فناوری‌های نوظهور تعریف می‌کنند، راه‌حل‌ها را نیز از دل فناوری‌ها رشد می‌دهند. به عبارت دیگر موضوعات نوپدید می‌توانند باعث وسیع شدن حلقه تنگ بازیگران سیاستی شوند و قدمی در راستای حکمرانی مشارکتی هم تلقی شوند.

۲-۲-۵. امکان رفع تعارضات و بازی برد-برد

وقتی می‌توان حکمرانی را موفق تلقی نمود که بتواند منافع گروه‌های مختلف ذی‌نفع در مسئله را ایفا نماید. ولی در مسئله‌های بغرنج اجتماعی، معمولاً در هنگام حل و رفع مسئله، منافع یک یا چند گروه به نفع برخی دیگر نادیده گرفته می‌شود. طراحی بازی برد-برد، نیاز به مداخلات زودهنگام دارد. زمانی که مسئله به‌طور کامل شکل بگیرد و گروه‌های ذی‌نفع، منافع خود را تعریف کنند، تغییر دادن زمین بازی تقریباً ناممکن می‌شود؛ در صورتی که مداخلات زودهنگام می‌تواند زمین بازی را به گونه‌ای تعریف کند که تعارض منافع در آن کاهش یابد و همه افراد و گروه‌ها بتوانند فرصت‌هایی را برای خود در مسئله تعریف کنند. به عنوان مثال می‌توان به رمزارزها اشاره کرد. تعریف دیر هنگام این مسئله باعث می‌شود شرکت‌هایی که در خدمات آنها و افرادی که در رمزارزها سرمایه‌گذاری کرده‌اند، به ضرر یا سودهای نامتعارف برسند. در صورتی که پرداختن به موقع می‌توانست تکلیف هر فعال و سرمایه‌گذاری در بازار رمزارزها را معلوم کند و آنها را به سمت فعالیت‌های مولد و مفید سوق دهد.

تصمیم‌سازی در فضای سالم‌تر به دور از فشار یکی از مشکلات بزرگ تصمیم‌گیری کشور، دوقطبی شدن، سیاسی شدن و گفتمانی شدن موضوعات است. موضوعاتی که شاید از جنبه‌های تخصصی زیادی برخوردارند و کمتر جنبه سیاسی هم دارند، در نزاع متقابل گروه‌ها و احزاب قرار می‌گیرند و وزن کشی سیاسی در آنها تعیین‌کننده نتیجه نهایی می‌گردد. این مسئله باعث می‌شود بسیاری از خروجی‌های تصمیم در موضوعات، مواردی باشند که به اندازه کافی منطقی و استوار نباشند و مورد رضایت نخبگان هم قرار نگیرد. موضوعات نوپدید به جهت اینکه در ابتدای فرایند رشد خود هستند هنوز سروصدای گسترده‌ای را به پا نکرده و محل تقابل گفتمان‌های مختلف قرار نگرفته‌اند. از این رو می‌توان امیدوار بود در فضایی آرام‌تر و به دور از هیجانات محل سیاسی به تصمیم‌گیری‌های بلندمدت‌تر پرداخت.

۲-۳. شیوه به دست آوردن مسائل نوپدید و نقش خلاقیت و نوآوری در آن

شیوه دست یافتن به موضوعات نوپدید، بحث مهم و حساسی است که نویسندگان روش‌شناسی آینده‌پژوهی به آن پرداخته‌اند. همان‌طور که جیم دیتور بیان می‌کند، برای یافتن موضوعات نوپدید، نیازمند فعالیت و مهارت «رصد»^۱ هستیم. رصد با فعالیت‌های مشابهی مانند «خواندن» برای امتحان و یا خواندن تفریحی کتاب متفاوت است. در خواندن تفریحی به دنبال لذت بردن از هر آنچه در کتاب جالب باشد هستیم. ولی در خواندن برای معلم، خواننده نسبت به هر چیزی که «می‌تواند در امتحان بیاید» حساسیت دارد و به دنبال آن می‌گردد. همچنین رصد کردن با فعالیت یک محقق یا پژوهشگر که به دنبال یافتن شواهدی تجربی برای ادعاهای علمی است، متفاوت است. او هر آنچه مرتبط با موضوع تحقیق است دنبال می‌کند و مابقی را به کلی نادیده می‌گیرد. او جست‌وجوگر قهاری است، ولی شاید نتواند رصدگر مناسبی باشد. رصد در جست‌وجو به دنبال نوآوری‌ها^۲ (ایده‌های جدید یا تحولاتی که قبلاً ذکر از آنها نشده است) و «الگوها»^۳ (ایده‌ها یا تحولاتی که به‌طور گسترده در میان رشته‌ها، فرهنگ‌ها و زبان‌ها ذکر شده است) است. رصد الگوها، نیازمند مهارت «قرار دادن ذهن در حالت رها»^۴ است تا ذهن بر موارد قبل تمرکز نداشته باشد و اجازه دهد الگوها و شبکه ارتباطات تقریباً به صورت ناخودآگاه در ذهن به یک‌باره ظاهر شوند. بیشتر افراد انجام هر دوی این کارها را دشوار می‌دانند؛ و بنابراین اسکنرهای خوب ندارند [۳].

به‌ندرت افرادی وجود دارند که بتوانند به شکل منظم و به‌طور تعمدی ذهن خود را در حالت رها قرار دهند و اجازه دهند میان عوامل مختلف ارتباطات بدیع و جدید شکل بگیرد تا از میان آنها یک موضوع نوپدید متولد شود. خلاقیت کلیدواژه اصلی روش کشف موضوعات نوپدید است. «یافتن موضوعات نوپدید در اولین مراحل ظهور آنها بسیار دشوار است؛ لازم است به تعامل با لبه مرزها، حاشیه‌ها، موارد غیر معمول، استثناءها، حیطه‌ها و افراد خطرناک یا غیرقانونی بپردازیم. برخی دانشجویان شاید به این موارد بپردازند؛ ولی غالب اساتید و متخصصین درباره آنها ناآگاه‌اند. هنگامی که متخصصین از یک مسئله نوپدید آگاه می‌شوند، آنها اغلب می‌خندند، وحشت‌زده می‌شوند یا آن را انکار و مسخره می‌کنند. برخی از مسائل نوظهور مسخره خواهد بود، اما برخی دیگر بسیار مهم می‌شوند» [۳].

زمان‌های رسیدن به خلاقیتی که بتواند مبدأ حس کردن موضوع نوظهوری شود، کاملاً اتفاقی است. ممکن است در حین مطالعه روی یک موضوع، موضوع جدید دیگری به ذهن برسد. ممکن است در حین بحث کردن روی یک موضوع، ذهن بتواند به‌سوی موضوع نوپدید دیگر پرواز کند یا حتی در هنگام گوش کردن به اخبار، یک موضوع کاملاً نوظهور به ذهن برسد و یا حتی در یک لحظه بی‌ارتباطی مثل قدم زدن در طبیعت، در استخر یا در جایی مثل نماز خواندن که ذهن با طول موج‌های بلند به پرواز برمی‌خیزد. همه اینها می‌تواند لحظه‌های تولد یک موضوع نوپدید باشد.

1. Scanning
2. Novelities
3. Patterns
4. Neutral



شاید نتوان به شکل کاملاً منظمی فرایند به دست آمدن موضوعات نوظهور را تحت کنترل گرفت و آنها را هدایت کرد، ولی می‌توان با فراهم آوردن شرایط به افزایش احتمال پدید آمدن آن کمک کرد. مثلاً با به وجود آوردن فضای بحث‌های خلاقانه می‌توان شرایط تولید مثل ایده‌های خلاق را گسترش داد. از سوی دیگر می‌توان با جمع‌آوری ایده‌ها از کسانی که تجربه‌ای در زمینه خلق موضوعات نوپدید در ذهن داشته‌اند، خزینه‌ای غنی از موضوعات نوظهور را به دست آورد؛ ایده‌هایی که در ذهن یک پژوهشگر به وجود آمده، ولی فرصتی برای بیان آن نیافته است. به این صورت خلاقیت جمعی را برای یافتن موضوعات نوظهور به کار گرفته‌ایم.

۴-۲. شیوه جمع‌سپاری و خلاقیت جمعی در یافتن مسائل

نشانه‌های ضعفی که از موضوعات نوظهور وجود دارد، از طرق مختلفی قابل رصد است. یکی از روش‌ها رصد نشانه‌های موضوعات نوظهور، جمع‌سپاری و تکیه بر تعقل جمعی است. عموم اندیشمندان و اندیشه‌ورزان موضوعات مختلف با ایجاد نوعی کل‌نگری و نگاه روندی به موضوعات، می‌توانند بصیرتی از آینده به دست آورند و مسائل نوپدید را تشخیص دهند. جمع کردن این ایده‌ها می‌تواند به شکل دهی بانکی از مسائل نوپدید بینجامد و به واسطه تجمیع ایده‌های موضوعی نوپدید، به پرورش یافتن و گسترش آنها کمک کند. این کار را می‌توان در قالب یک رویداد جمع‌سپارانه به انجام رساند.

رویداد ملی نوآیند به عنوان بستری برای حدس و جمع‌آوری مسائل نوپدید آینده به وجود آمد و در خلال آن به جمع نمودن ایده‌ها و تحریک ذهنی در جهت حدس مسئله آینده پرداخت.

۵-۲. چگونه می‌توان از رادار موضوعات آینده استفاده نمود؟

رادار آینده یک طرح ابداعی برای نمایش موضوعات نوپدید آینده است. این استعاره اشاره به وضعیتی دارد که در یک آسمان بی‌انتهای می‌تواند تعداد بسیار زیادی از مسائل وجود داشته باشد. ولی دستگاه‌های راداری مبتنی بر قدرتی که برای رصد چیزها در این فضا دارند، می‌توانند موارد را منعکس کنند. برخی نقاط در رادار نقاطی اند که نور (نمود) ضعفی دارند، تا جایی که اصلاً قابل رؤیت نداشته باشند، برخی موارد هم در رادار به شکل بسیار پررنگ در حال نمایش اند که وجود آنها کاملاً عیان و واضح است. هنر نمایش رادار در نمایش مواردی است که ممکن است از دید مخفی بمانند. در رادار آینده هم سعی شده از علائم و شواهدی که در محیط وجود دارند و با کمک از خلاقیت ذهنی، موضوعاتی که در آینده ممکن است رخ بدهند شناسایی و معرفی شوند. موارد دیگری هم هستند که رادار ما همچنان قدرت کشف و نمایش آنها را پیدا نکرده است. موارد ذکر شده در رادار تنها نقطه‌های آینده نیستند، نقاط دیگری هم وجود دارند که دیده نشده‌اند.

بنابراین کارکرد رادار آینده ایجاد نوعی خیال‌راحتی نسبت به آینده و محدود دانستن آن در چارچوب موارد اشاره شده نیست، بلکه کارکرد آن ایجاد تحرک در سیاستگذاری برای پرداختن به موضوعات نوپدید و حتی کشف موضوعات نوپدید دیگر است. سیاستگذاران با مشاهده رادار آینده نسبت به موضوعات جدید، حساسیت افزون می‌یابند و فرایند تفکر به آینده را آغاز می‌کنند. حتی ممکن است در رادار یک موضوعی رصد شده باشد که سیاستگذار را به مسئله‌ای دیگر هدایت کند و چه بسا مسئله جدید نقطه مقابل مسئله اشاره شده باشد.

کارکرد دیگر رادار آینده، ایجاد زمینه و چارچوبی برای رصد آینده است. رادار آینده نقطه‌های حساس تغییر را نشان می‌دهد و به این واسطه می‌توان دریافت که چه شاخص‌هایی درباره آینده لازم است رصد شوند. رادار آینده نشان می‌دهد که نظام حکمرانی نسبت به اخبار کدام ناحیه باید حساس باشد و تغییرات چه حیطه‌هایی را باید دنبال کند تا درک پیش‌نگر نسبت به آینده داشته باشد.

شکل ۲. رادار، مسائل نوپدید آینده فرهنگی - اجتماعی [۴]



۳. مسائل نوپدید آینده اجتماعی

۳-۱. مسائل مربوط به آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی و مشکلات روحی - روانی بخش عمده از وقت و توان دولت‌ها و ملت‌ها را به خود مشغول می‌کند. در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه، روند توسعه، ایجاد کننده مشکلاتی شده است که روز به روز خود را بیش از پیش نشان می‌دهد و بحران‌های اجتماعی را که سر باز می‌کند نمایان می‌سازد. با جهش‌های تکنولوژیک جدید نیز، هم سرعت تحول افزایش پیدا می‌کند و هم سرعت بروز آسیب‌های اجتماعی. این وضعیت به گونه‌ای است که رسالت و دستور کار نظام حکمرانی را دستخوش تحول می‌کند و وظیفه اصلی و مأموریت محوری دستگاه حاکمیت را تغییر می‌دهد. با توجه به مشکلات زیستی و مشکلات جوامع صنعتی، به عصری وارد شده‌ایم که مملو از مسئله است. وظیفه حکمرانی و انتظار از آن بهبود مسئله‌ها و آسیب‌هاست. دولت‌ها بیش از آنکه درگیر ایجاد و اجرای تغییرات و تحولات اجتماعی باشند، درگیر رفع و کاهش آسیب‌های اجتماعی خواهند بود. تحولات آینده آسیب‌های اجتماعی را می‌توان در چند مقوله بر شمرد:



- مواجهه آسیب‌های جدید؛
- رشد چشمگیر یک آسیب (قدیمی) و تبدیل شدن آن به بحرانی جدید در آینده (تغییر اولویت)؛
- تغییر مسیر گسترش یک آسیب به نحوی که مسئله‌های جدیدی را پدید آورد؛
- پیدایش ابزارها و روش‌های جدید برای مواجهه با آسیب، مبتنی بر تحولات فناوری‌های (سخت و نرم).

۱-۳. امید و ناامیدی در دنیای عدم قطعیت‌ها

به شکل سنتی امید در پی داشتن یک تصویر عمده ترسیم می‌شد که می‌توانست هدف جامعه را ترسیم کند و یک شکل ایدئال و یک مدینه فاضله (اتوپیا) را شکل بدهد. جامعه‌ای امیدوار تلقی می‌شد که بتواند قوای خویش را برای شکل دادن به آینده مطلوب و ایدئال خود تجمیع کند و نیروهای اجتماعی را برای رسیدن به هدف کلان اجتماعی بسیج نماید. در این نگاه این جامعه به واسطه چشم‌انداز مشترک، می‌تواند ساختارهای هدفمند بسازد و به واسطه ساختارهای هدفمند می‌تواند امید اجتماعی را رقم بزند. اما با تحولات پدید آمده، ساختار امید تغییر کرده است. از طرفی تغییرات کلان و گسترده باعث شده است، عدم قطعیت‌ها اجازه ندهند تصاویر کلان و واضحی از آینده بتوان ترسیم نمود و از طرف دیگر عمده مردم از تغییرات کلان ناامید شده‌اند یا حتی واهمه دارند. گویا دوره تغییرات اساسی و کلان گذشته است. بیشتر به دنبال اصلاحات جزئی برای بهتر شدن وضع موجود یا بدتر نشدن آن هستند. بنابراین با اینکه امید مسئله‌ای مهم و کلیدی دوران معاصر خواهد بود و ناامیدی مشکلی فراگیر و جدی به حساب می‌آید که باید با آن به مقابله و مواجهه پرداخت، ولی برای ساخت امید، لازم است به امید در دنیای عدم قطعیت‌ها فکر کرد. چگونه می‌توان در دنیای ابهام‌آلود و بدون داشتن تصویری واضح، شفاف و روشن، به امیدواری دست یافت؟ و چگونه می‌توان ناامیدی را به عنوان مانعی برای حرکت از راه برداشت؟

۲-۱-۳. تجربه حس‌های متفاوت و جدید تا سر حد مرگ

تمایل حداکثری افراد به تجربه‌های جدید و تولید و در دسترس بودن مخدرهای صنعتی جدید و ازسوی دیگر پیشرفت فناوری‌های شناختی باعث می‌شود در آینده بیش از پیش و با ابعاد پیچیده‌تری از اعتیاد روبه‌رو باشیم. ممکن است در آینده نزدیک با صحنه‌های متعدد مرگ‌های دلخراش ناشی از این اعتیادها مواجه شویم.

واقعیت مجازی و واقعیت افزوده، موقعیت‌ها و حس‌های جدید و عمیقی را در دسترس قرار خواهند داد. دنیای متاورس در آینده با تکنولوژی‌های پوشیدنی حواس مختلف کاربران را درگیر خواهد کرد و در نتیجه قوه خیال انسان‌ها به شدت درگیر می‌شود.

ازسویی دیگر افزایش مواد مخدرهای توهم‌زا و خلسه‌آور مانند «ال‌اس‌دی»^۱ و «دی‌ام‌تی»^۲ و مخدرهای الکترونیکی که مبتنی بر علوم شناختی طراحی شده‌اند، باعث خواهد شد سطح متفاوتی از توهم‌زایی پدید آید و در میان قشر گسترده‌ای پخش شود.

شواهدی از روند گسترش این آسیب‌ها و پیش رفتن آنها تا سر حد تجربه مرگ را می‌توان در پدید آمدن بازی‌ها و موسیقی‌ها و فیلم‌هایی که ترغیب به اتانازی‌ها و خودکشی‌های نوین می‌کنند، مشاهده نمود (مانند نهنگ آبی (۲۰۱۶)، مومو (۲۰۱۸) و بازی مرکب (۲۰۲۱)).

این مسئله می‌تواند در آینده ابعاد گسترده‌ای از آسیب‌ها را نمایان سازد؛ ازسویی تعداد زیادی از رفتارهای هیجانی خطرناک نسل جوان (مثلاً پریدن وسط گردباد برای تجربه هیجان حداکثری) را شاید مشاهده کنیم، یا فراگیر شدن بیماری‌ها و اختلالاتی مانند بیش‌فعالی در دهه‌های اخیر و نیز افزایش بیماری‌هایی مانند اسکیزوفرنی و پارانوئید در نسل‌های جدید. جوانان در این تجربه‌ها، آستانه هیجان‌ناشان افزایش می‌یابد و با خلط میان دنیای مجازی و زندگی حقیقی، درک صحیحی از خطرات پیرامون خود نخواهند داشت. چه‌بسا در آینده با تعداد قابل توجهی از مرگ‌های حقیقی ناشی از تجربه‌های هیجانی مجازی و ساختگی مواجه شویم.

1. LSD
2. DMT

۳-۱-۳. بروز اشکال مدرن جنگ‌های اجتماعی

جنگ‌های گذشته بیشتر بین حکومت‌ها بر سر تصاحب مرزها و ملت‌ها بود، ولی امروزه جنگ‌ها ابعاد جدیدی و بسترهای جدیدی پیدا کرده است. پس از ظهور رسانه‌ها، سهم بزرگی از قدرت توسط ارتباطات رسانه‌ای رقم خورد و در دست داشتن رادیو و تلویزیون، تسلط یک کشور و ملت را بر سایر ملت‌ها رقم زد. در دهه اخیر به کرات مشاهده شد که توفان‌های توییتری یا روند شدن یک موضوع و جهت‌گیری در فضای سایبر، چگونه توانست یک صف‌بندی بزرگ جهانی را شکل دهد که مظاهری از اعمال قدرت نوین بوده و است. اشکال جدید جنگ‌ها، تنها لشکرها و نظامیان را در یک ملت درگیر خود نمی‌کند، بلکه احاد افراد اجتماع را با خود درگیر می‌کند و دایره خطر را از مرزها و خطوط مقدم جنگ به داخل شهرها و خانه‌های افراد می‌کشاند. به همین ترتیب، آنچه مقاومت ملی را شکل می‌دهد، مقاومت نیروهای جنگی آن نیست، بلکه مقاومت شهروندان در برابر تکانه‌های شدید نزاع است. در آینده با توجه به رشد فناوری‌های علوم شناختی و همچنین وابستگی روزافزون جوامع نسبت به تحولات بازارهای مالی، می‌توان ابعاد گسترده‌تری از جنبه‌های شناختی جنگ‌ها را مشاهده نمود.

۳-۱-۴. چالش‌های حریم خصوصی در زندگی شخصی، اجتماعی

زندگی مبتنی بر داده و رفتار اجتماعی ثبت شده در این فضا با توجه به کاربری‌های مختلف تحلیل این داده‌ها در حیطه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و.... باعث می‌شود حفظ حریم خصوصی تبدیل به چالشی رو به تزاید باشد. اقتصاد دیجیتال به سرعت در حال رشد است. اقتصاد دیجیتال به داده‌ها به عنوان خون حیات خود متکی است. شرکت‌های اقتصاد دیجیتال، حجم زیادی از اطلاعات شخصی کاربران را جمع‌آوری می‌کنند و به این واسطه است که می‌توانند به کسب سود برسند. داده‌های مختلفی جمع‌آوری می‌شود؛ از تعاملات ما در رسانه‌های اجتماعی گرفته تا خریدهای آنلاین، ردیابی مکان و نظارت بر سلامت و غیره. انتظار می‌رود کاربران برای هر نوع استفاده از داده‌هایشان و هر نوع نقل و انتقال آنها اطلاع داشته باشند و اعلام رضایت کنند، ولی حذف داده‌ها، دسترسی غیرمجاز و به اشتراک گذاری داده‌ها بدون رضایت آگاهانه بسیار رایج شده است. داده‌های شخصی اغلب برداشت، تجزیه و تحلیل و درآمدزایی می‌شود بدون اینکه افراد کاملاً میزان استفاده از آن را درک کنند. این باعث عدم تعادل قدرت بین افراد و شرکت‌ها می‌شود و موجب نقض دائمی حریم خصوصی می‌شود.

انتظار می‌رود در آینده با گسترش اقتصاد دیجیتال، رشد ضریب نفوذ اینترنت، گسترش کاربرد و تحلیل کلان داده‌ها (بیگ دیتا)، هوش مصنوعی و پدید آمدن اینترنت اشیا، داده‌ها بیش از پیش مورد تبادل قرار گیرند و حریم خصوصی نیز بیش از پیش مورد تعرض قرار گیرد. به موازات رشد مخاطره برای حریم خصوصی، تأکید بر این مسئله از سوی کاربران و سرمایه‌گذاری بر فناوری‌ها و راه‌هایی که بتواند به حفظ بیشتر حریم خصوصی منجر شود، از سوی شرکت‌ها افزایش خواهد داشت. هر چند فناوری‌هایی که تاکنون توسعه دیده شده است، نتوانسته حفاظت کافی از داده‌های شخصی را رقم بزند؛ با این حال می‌توان حدس زد حفظ حریم خصوصی یکی از جنبه‌های مهم و حتی درآمدزا در زیست‌بوم فناوری اطلاعات باشد. علاوه بر این، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی نیز برای حفظ حریم خصوصی یا برای توسعه مهارت‌های فردی در جهت زیست در فضای مخاطرات حریم خصوصی، فعال می‌شوند.

۳-۱-۵. حباب اطلاعات شخصی شده

گسل‌های اجتماعی توأم با امکان شخصی سازی اطلاعات دریافتی و محدود شدن کانال‌های دریافت داده باعث کانالیزه شده افراد در ورود اطلاعات شده است. فناوری‌های جدید اطلاعاتی و خصوصاً هوش مصنوعی این موضوع را به مراتب بیشتر هم افزایش خواهد داد. حباب اطلاعاتی و ارتباطی برای افراد و گروه‌های اجتماعی فضای سوگیری شده‌ای را در کسب و تحلیل اطلاعات ایجاد می‌کند که پیامدهای اجتماعی جدی در جامعه حبابی شده به دنبال خواهد داشت. به این حباب، حباب فیلتر هم می‌گویند.^۱

۱. مطالعه بیشتر در: https://qjmn.farhang.gov.ir/article_104620.html



۶-۱-۳. دو قطبی شدن و عدم درک متقابل

شخصی شدن محیط رسانه‌ای کاربران، سبب می‌شود که اطلاعات و اخباری که در دسترس او هستند، شخصی‌سازی شوند. کاربران در این شرایط در موقعیت فیلتر شده وارد می‌شوند؛ فیلتری که خودشان درست کرده‌اند و کاملاً نامحسوس است. کاربران صرفاً چیزهایی را می‌بینند و دنبال می‌کنند که دوست دارند یا عقاید از پیش تعیین شده آنها را تأیید می‌کند. به همین خاطر گروه‌های مخالف خود را بسیار تاریک و منفی می‌بینند و امکان تعامل آنها با یکدیگر کاهش می‌یابد. در نتیجه شکافی عمیق در جامعه پدید می‌آید که می‌تواند منشأ مشکلات بسیاری شود. جامعه دو قطبی امکان گفت‌وگو و تعامل سیاسی و اجتماعی را از دست می‌دهد. جریان اطلاعات در این جامعه به شکل مخدوش جریان پیدا می‌کند و هر کدام از قطب‌های اجتماعی، اطلاعات را به نحوی تفسیر می‌کنند که خالی از سوگیری نیست. یک عینک بدبینی روی چشم دو طرف قطب وجود دارد که همه رفتارهای مخالفان خود را به بدترین وجه می‌بیند و آنها را در قالب خیانت به کشور، توطئه یا خباثت و خشونت تفسیر می‌کند. در این وضعیت، نه فقط مشارکت اجتماعی و ایجاد وحدت و اجماع ملی وجود ندارد، امکان تعامل و گفت‌وگو هم کاهش پیدا می‌کند و علاوه بر این، هر کدام از طرفین، با خنثی کردن فعالیت طرف مقابل و ایجاد مانع برای آن، هزینه‌های فعالیت‌ها را بالا می‌برند و عملاً کشور در وضعیتی قرار می‌گیرد که نیروها در مقابل یکدیگر در حال تحلیل‌اند و پیش‌بردی در آن نیست. اضطراب، استرس و نگرانی در این جامعه بالاست و آرامش روحی و روانی رو به افول خواهد گذاشت. رقابت در شکل منفی آن شکل می‌گیرد و باندبازی و صف‌بندی‌ها و جبهه‌گیری‌های سیاسی به اوج خود می‌رسد.

۷-۱-۳. قدرتمندی اجتماعی «نیت»‌ها

نیت‌ها، گروه نوظهور اجتماعی‌اند که نه در حال آموزش‌اند، نه کار می‌کنند و نه در حال مهارت‌آموزی هستند. چند سالی است که این گروه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و تعداد این گروه در ایران بین ۲٫۵ میلیون تا ۴ میلیون تخمین زده می‌شود. گزارش وزارت رفاه جمعیت جوانان غیرشاغل و غیرمحصل را بیش از ۶٫۳ میلیون نفر دانست [۵] (معادل ۳۸ درصد)، ولی سپس از این ادعا عقب نشست و آمارهای سازمان آمار را مرجع در تعیین این عدد دانست. این جمعیت در سال‌های آینده با توجه به بیکاری‌ها ممکن است افزایش هم پیدا کند. علاوه بر لزوم داشتن آمارهای دقیق، به بررسی خصوصیات زیست اجتماعی این گروه نیاز است. مسئله این گروه، صرفاً بیکاری نیست؛ بی‌هویتی و بی‌تعهدی ناشی از این وضعیت می‌تواند پیامدهای سیاسی و اجتماعی گسترده داشته باشد. باین حال، اولاً نیاز است علاوه بر تلاش برای ایجاد اشتغال، سیاست‌هایی برای کاهش مشکلات و آسیب‌های این گروه در فرض عدم اشتغال تدوین شود. ثانیاً نیاز است از نگاه تهدیدمحور عبور شود و به عنوان قشری که می‌توانند مزیت‌ها و فرصت‌هایی را نیز خلق کنند، نگریسته شود. از این جهت مسئله‌ای نوپدید خواهد بود.

۸-۱-۳. هم‌جنس‌گرایی و انحرافات جنسی

علاوه بر اینکه شواهدی مبتنی بر رشد تعداد افراد با گرایش‌های هم‌جنس‌گرایانه و انحراف جنسی وجود دارد، مرور تجربه غربی نشان می‌دهد که این مسئله می‌تواند در آینده برای ما نیز کاملاً جنبه جدی پیدا کند. طبق مطالعات، ناکامی‌ها در روابط جنسی و عاطفی و نارضایتی از روابط جنسی دو عامل در گرایش به هم‌جنس‌گرایی و انحراف جنسی است. مطالعات حاکی از روند افزایشی این دو در جوامع دنیا هستند. با توجه به آمار افزایشی تعداد مجردان و آمار افزایشی تعداد طلاق‌های ناشی از مشکلات روابط جنسی، می‌توان حدس زد این دو عامل در آینده سیر افزایشی خواهند داشت. هم‌جنس‌گرایی در آینده جلوه‌های جدیدی می‌تواند به خود بگیرد. مطالبه‌های حقوق قانونی نیز ممکن است ایجاد شود. به طور کلی می‌تواند تبدیل به مسئله‌ای وخیم‌تر از حال گردد.

۹-۱-۳. مخدرهای دیجیتال

نسخه‌هایی از موسیقی‌هایی که ادعا می‌شده است می‌تواند اثرهایی مشابه آثار مصرف مواد مخدر و روان‌گردان را داشته باشد، منتشر شده

است. هر چند اعتیادآور بودن این نوع از مصرف اثبات نشده است، با این حال طبق پیمایشی که سال گذشته [۵] در تعدادی کشورها انجام شده است، بیش از ۱۱ درصد از کسانی که این نوع موسیقی را گوش داده‌اند، به دنبال ایجاد حس مشابه یکی از مواد مخدر یا روان گردان بوده‌اند. در آینده ممکن است تحولات علوم شناختی و مداخله از طریق امواج مغزی، سرعت رشد این روند را افزایش دهد و نمونه‌های جدی تری از این نوع مخدرها را شاهد باشیم. علاوه بر اینکه نیاز است به نقش ترکیبی مخدرهای دیجیتالی با مواد مخدر نیز پرداخت و توجه داشت که شاید مخدرهای دیجیتالی نتوانند اعتیاد کامل و روان گردانی عمیق را در تعداد محدود شکل دهند، ولی شاید بتوانند موجب تأثیری کمتر از اعتیاد و اضمحلال عقل، ولی در گستره وسیع اجتماع عمومی بشوند.

۱-۳. کودکان کار مجازی

کودکان کار مجازی یا کودکانی که در انجام کارهایی که به صورت آنلاین انجام می‌شود، شرکت می‌کنند، مسئله‌ای جدی است. این کودکان عمدتاً در سنین کمتر از ۱۸ سال هستند و برای کاربردهای مختلفی از پلتفرم‌های آنلاین استفاده می‌کنند. شاید از جمله فعالیت‌هایی که کودکان کار مجازی در آنها شرکت می‌کنند، فروش محصولات آنلاین، انجام پروژه‌های دانشجویی برای دیگران، طراحی وبسایت، نوشتن مقاله و بلاگ، طراحی گرافیک و... است.

«کودک - اینفلوئنسرها» یعنی کودکان کار مجازی که روزمرگی‌هایشان با هدف کسب درآمد، در فضای مجازی به نمایش گذاشته می‌شود. برخی خانواده‌ها یا افراد سودجو با نمایش زیبایی خدادادی و توانایی کودکان، در مدلینگ و تبلیغات در فضای مجازی جذب فالوور و سود می‌کنند که پیامدهای آن در زندگی آینده کودک بی‌اثر نخواهد بود.

فعالیت‌هایی که توسط کودکان در فضای مجازی صورت می‌گیرد، در حال متنوع‌تر شدن و گسترده‌تر شدن است. همچنین با سهولت دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و امکان حضور حداکثری در فضای مجازی، میزان این نوع کار و بهره‌کشی از کودکان افزایش پیدا کرده و نیازمند تصمیم‌گیری خواهد بود.

۲-۳. مسائل مربوط به سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. پوتنام، از محققین سرمایه اجتماعی، آن را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجار و شبکه می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و منافع متقابل آنها را تأمین می‌کند. تأکید عمده بر مفهوم اعتماد در سرمایه اجتماعی قابل توجه است. از همین جهت توجه به آینده سرمایه اجتماعی و تحول آن اهمیت می‌یابد. اعتماد، با چالش‌هایی همراه شده است که ادامه آن را با سؤال همراه می‌کند. در عین حال منابع جدیدی برای سرمایه اجتماعی و اعتماد شاید بتوان یافت که می‌تواند نشان‌دهنده نسل جدیدی از سرمایه اجتماعی باشد. در این بخش، چند مسئله نوپدید که در فضای سرمایه اجتماعی و اعتماد مورد اشاره قرار گرفته است، مرور می‌شود.

۱-۲-۳. بی‌اعتمادی جامعه و مسئولان به علم

علم از تقدس خاصی برخوردار بوده است؛ به خصوص در جامعه ایرانی، احترام علم و عالمان ریشه‌ای تمدنی دارد. ولی علم به معنای دانش تجربی در دوران مدرن تقدسی ویژه و ارزشی یگانه یافت. علل مختلفی باعث شده است که این نوع علم در جامعه با جایگاه سست‌تری در آینده مواجه شود و در میان مردم، مسئولان و حتی دانشوران نیز مرجعیت تام و تمام نداشته باشد. تعدد رویکردهای علمی و تناقضات متعددی که پیدا کرده‌اند، به اعتبار علم ضربه می‌زند. از سویی دیگر پارادایم‌های علمی جدید سر بر آورده‌اند که تنها برخی از آنها در ادامه مسیر توسعه مدرن هستند و برخی دیگر به نقض مهم‌ترین ادعاهایی که اساس شکل‌گیری تمدن علمی بوده است، می‌پردازند. با رسانه‌ای شدن سپهر ارتباطی دنیا و در دسترس بودن منابع علمی، تعارضات رویکردهای علمی امروزه در محافل علمی نمانده و بحث‌های خود را به صحنه اجتماع نیز می‌آورند. دانش‌ها به شدت وابسته به محصولاتی شده‌اند که به مردم و صنایع ارائه می‌دهند (مصرف‌کننده محور) و به همین خاطر مردم (و نه



جامعه علمی) عملاً عامل مهمی در ارزیابی علمی شده‌اند و این موجی از عامه‌پسندی را به دنبال خواهد داشت. بازار شبه‌علم رونق می‌گیرد و رشد می‌کند. از سویی دیگر عیان شدن ساختارهای اقتصادی و مالی در پسِ جهت‌گیری‌های علمی، بر موج بی‌اعتمادی می‌افزاید. همه‌گیری کرونا، همه این روندها را تقویت و بی‌اعتباری علم را نزد عامه تشدید کرد. هنگامی که علم بی‌اعتبار گردد، موجی از رویکردهای شبه‌علمی رواج می‌یابند. رونق یافتن این بازار باعث رکود بازار علمی نمی‌شود، بلکه باعث ورود تعداد بیشتری از فعالان به این بازار می‌شود که رفتارهایی اقتصادی و بازاری دارند. نوآوری و تنوع در این بازار حرف اول را خواهد زد و باید منتظر طیفی از الگوهای جایگزین بود که هر کدام دارای طرف‌دارانی خواهد بود. آنها اعتبار خود را از طرف‌داران و هواداران خود و از مشتریان محصولات و خدمات خود می‌گیرند.

رواج شبه‌علم ممکن است باعث افزایش فاصله اجتماعی و تفکرات سوگیرانه باشد. به این معنا که افرادی که به این شبه‌علم‌ها باور دارند، به شیوه منفرد خود، به دنبال حل مسئله یا مسائل خود هستند و نمی‌پذیرند که احتمال اشتباهشان وجود دارد. به همین دلیل، در برابر افرادی که به سایر باورهای علمی علاقه نشان می‌دهند، متعصب می‌شوند و تمایل دارند با آنها همکاری یا حتی برخورد نکنند. از سویی دیگر، افزایش بی‌اعتمادی به علم می‌تواند از دید سرمایه‌گذاران، به معنای عدم اطمینان در مورد پروژه‌های تحقیقاتی و نوآوری باشد که ممکن است به اختلافات قراردادی و گرفتار شدن در موضوعات حقوقی بینجامد و از سویی دیگر بی‌اعتمادی به علم می‌تواند باعث کاهش اعتماد عمومی به دولت و نظام سیاسی کشور شود. افزایش بی‌اعتمادی به علم می‌تواند باعث تضعیف قدرت برخی سازمان‌های علمی و تحقیقاتی شود که به اجرای سیاست‌های دولتی برای توسعه اقتصادی، بهداشتی و حتی امنیتی کمک می‌کنند.

بسیاری از کشورها قوانین و مقرراتی را برای مقابله با روند بی‌اعتمادی به علم تصویب کرده‌اند. مانند ایالات متحده: «قانون شفافیت پژوهشی» با هدف تضمین کیفیت پژوهش‌های علمی و جلوگیری از تقلب‌های علمی؛ اتحادیه اروپا: «کدکس عملکرد مسئولیت اخلاقی در تحقیقات»؛ استرالیا، «کدکس ملی عملکرد مسئولیت اخلاقی در تحقیقات»؛ کانادا، «کدکس عملکرد در تحقیقات». در چین، قانون جدیدی با نام «قانون علم و فناوری» صادر شده است که هدف آن تضمین کیفیت و شفافیت در پژوهش‌های علمی و فناوری است. این موارد بیشتر به دنبال مقابله با این روند هستند. احتمالاً نمی‌توان در مقابل روند بی‌اعتمادی به علم، ایستاد و آن را متوقف نمود؛ ولی می‌توان خود را برای مواجهه با سبک جدیدی از علم‌ورزی و انتشار علم در جامعه آماده نمود. آموزش علم به جای یاد دادن چیزهایی که می‌دانیم، می‌تواند به سمت چیزهایی که نمی‌دانیم برود. حمایت از انتشار علم درست (بهتر بگوییم علم‌های بیشتر درست) می‌تواند صورت گیرد، و چاره‌های دیگری که باید اندیشید [۷].

۲-۳. کاهش اعتماد اجتماعی به ساختارهای حاکمیتی

اعتماد نهادی به عنوان جزئی از دایره اعتماد اجتماعی است که به معنای اعتماد و پذیرش عمومی نسبت به نهادها در دو حیطه حاکمیتی (نظام سیاسی و نهادهای حاکمیتی) و نهادهای مدنی است [۸]. «اعتماد نهادی» بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادها دارند، دلالت دارد. جامعه‌ای با سطح اعتماد نهادی بالا، به نهادی مدرن تکیه دارد و برای حل مسائل و مشکلات، بر توان حل مسئله این نهادها اعتماد می‌کند.

گیدنز اعتماد را از عناصر و مؤلفه‌های اصلی مدرنیته می‌داند و معتقد است که چهار زمینه محلی اعتماد یعنی خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند، حال آنکه در دوران مدرن اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نمادها و نظام‌های کارشناسی جای این نوع اعتماد را گرفته است [۹]. اعتماد نهادی یک مفهوم مدرن است و تجلی آن نیز در جوامع مدرن رخ می‌دهد. به همان نسبت مدرنیته با چالش برخورد است و عبور از مدرنیته کلید خورده است، اعتماد نهادی نیز به نهادهای مدرن به چالش می‌خورد. هنگامی که اعتماد نهادی به چالش بخورد، مردم به جای اینکه برای حل مسائل، به نهادهای ساختاریافته و رسمی مراجعه کنند، به دنبال راه‌های جایگزین می‌روند. این وضعیت شاید از آن تعبیر به نوعی ناامیدی شود. به این خاطر که از سودمندی و کارایی این نهادها ناامید می‌شوند و احساس می‌کنند آنها نمی‌توانند به خوبی کار کنند و نمی‌توانند مشکلات را حل کنند. مردم در این وضعیت احساس می‌کنند، این نهادها

مشکلات را به تعویق می‌اندازند و آنها را به جای اینکه حل کنند، پیچیده می‌کنند.

نحوه مواجهه نهادهای مدرن با مسئله‌ها، نحوه خاص و ویژه‌ای است. نهادهای مدرن، ابتدا مسئله را به زبان خود باز تفسیر می‌کنند، آن را به بخش‌های تخصصی تقسیم می‌کنند تا بتوانند هر جزء از آن را به نهاد تخصصی خود واگذار کنند؛ آن را به یک مسئله علمی تبدیل می‌کنند تا بتوانند مواجهه علمی و حرفه‌ای با آن داشته باشند؛ برای اینکه بتوانند آن را به مسئله علمی تبدیل کنند، باید آن را تعمیم‌پذیر کرده، فارغ از زمان و مکان به آن بپردازند.

ولی اعتماد به نهادها و ساختارها برای حل مسئله‌ها در حال کاهش است. بسیاری از مردم نهادهای رسمی را ساختارهایی کارا و مؤثر در حل مسائل نمی‌دانند. هر چند تاکنون همچنان برای بسیاری از مسائل، به سازمان‌ها و نهادهای رسمی مراجعه صورت می‌گیرد، این مراجعه از روی ناچاری و به خاطر نبود یا عدم استقرار راه‌های جایگزین است، نه از روی اعتماد. از سوی دیگر تلاش‌هایی را می‌توان مشاهده نمود که برای حل مسائل، به سوی راه‌های جایگزین در حال حرکت است؛ تلاش‌های متنوعی برای فعال کردن گروه‌های مردمی و غیررسمی برای ایفای کارکردهای نظام حکمرانی رسمی صورت می‌گیرد. در سال‌های اخیر، یک جنبش ویژه‌ای در توجه دانشمندان به موضوع فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد پدید آمده است: رشد روزافزون در تعداد این سازمان‌ها رخ داده و تنوع آنها و کارکردهای آنها نیز متنوع‌تر شده است. هر روز کارکردهای بیشتری از دولت‌ها گرفته می‌شود و به گروه‌های مردمی یا شرکت‌ها و سازمان‌های خصوصی واگذار می‌شود [۱۰].

۳-۲-۳. سرمایه اجتماعی سلامت محور

سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از منابع و قدرت‌هایی گفته می‌شود که در یک جامعه ایجاد شده است و بهبود روابط اجتماعی، تسهیل فرایندهای اجتماعی و اقتصادی، حفظ نظم و ثبات اجتماعی و ایجاد همبستگی در جامعه کمک می‌کند. این منابع شامل عواملی مانند اعتماد، همبستگی، شبکه‌های اجتماعی، همکاری، تعهد اجتماعی و سایر عواملی می‌شود که برای بهبود کیفیت زندگی جامعه بسیار حائز اهمیت هستند.

سرمایه اجتماعی به دلیل اهمیت آن در حفظ و بهبود سلامت جامعه، به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه پایدار محسوب می‌شود. در واقع، افزایش سرمایه اجتماعی می‌تواند بهبود سطح سلامت جامعه را دربرداشته باشد؛ زیرا سلامت فردی و اجتماعی به شدت به یکدیگر وابسته‌اند. در جوامعی که سرمایه اجتماعی قوی‌تری وجود دارد، سلامت جسمی و روحی افراد بیشتر است و میزان بیماری‌ها و ناتوانی کاری در آنها کاهش می‌یابد. به عنوان مثال، بهینه‌سازی شبکه‌های اجتماعی می‌تواند باعث ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری شود؛ ایجاد اعتماد می‌تواند به کاهش خشونت، جرم و جنایت در جامعه منجر شود و حمایت از آشپزخانه‌های محلی و تولیدات پایدار می‌تواند سطح غذایی جامعه را بهبود بخشد. همچنین، فرهنگ سلامت در جامعه و دسترسی به خدمات پزشکی نیز می‌تواند به صورت مستقیم به افزایش سرمایه اجتماعی و زندگی بهتر در جامعه کمک کند.

بنابراین، برای افزایش سرمایه اجتماعی سلامت محور، نیاز است تا اقداماتی که به بهبود روابط اجتماعی، تسهیل فرایندهای اجتماعی و اقتصادی، حفظ نظم و ثبات اجتماعی و ایجاد همبستگی در جامعه منجر می‌شوند، پیگیری شود.

۳-۲-۴. پدید آمدن زمینه‌های جدید برای رشد سرمایه اجتماعی

پس از چالش‌هایی که در سرمایه اجتماعی و اعتماد به ساختارهای رسمی مانند حاکمیت، قانون و علم پدید می‌آید، مردم جامعه برای به دست آوردن اعتماد و کارکردهای آن در سطح جامعه به سمت روش‌ها و راه‌های جایگزین خواهند رفت.

«ورمز» به شواهد افول کلی سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند و با تمرکز بر جامعه فرانسه نشان می‌دهد که چطور شاخص‌های سرمایه اجتماعی کاهش نشان می‌دهد؛ ولی در عین حال در کنار این افول کلی سرمایه اجتماعی تحول مثبتی نیز به چشم می‌خورد و آن ظهور نوع جدیدی از سرمایه اجتماعی است که کمتر به دولت متکی و در نتیجه رشد یافته‌تر و مستقل‌تر است. علت این تحول وجود این واقعیت بود که در گذشته دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در امور اجتماعی فرانسه، از جمله در تکوین سرمایه اجتماعی ایفا می‌کردند و این رقابت چند قرن میان دولت و



کلیسای کاتولیک بر سر کنترل جامعه مدنی در فرانسه میدان چندان فراخی برای ابتکار عمل شهروندان مستقل باقی نگذاشته بود [۱۱]. با کم‌رنگ شدن نقش این دو نهاد، زمینه رشد سرمایه اجتماعی مستقل فراهم شده است. زمینه‌های جدید رشد سرمایه اجتماعی، می‌تواند مسئله‌ای مهم برای نظام حکمرانی در حمایت و رشد سرمایه اجتماعی ایجاد کند که وظیفه حاکمیت را در این زمینه تقویت می‌کند. با توجه به نقش گسترده سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت روانی جامعه و ضرورت آن برای تحرک، رشد و توسعه، لازم است تأکید بر راهکارهای تقویت سرمایه اجتماعی قدیمی، جای خود را به تحول راهکارها در جهت توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی جدید بدهد. این نوع از سرمایه اجتماعی در دوران زمینه‌های شکل‌گیری، و جهت تسریع رشد و نهادینه شدن آن نیاز به سیاستگذاری و حمایت‌های تقویتی است.

۳-۳. مسائل مربوط به جریان‌های اجتماعی

جریان‌های اجتماعی، پدیده‌هایی در اجتماع هستند که جمعیتی را حول خود نظام می‌دهند و هویتی نظام‌مند ولی غیررسمی دارند و از مجموعه‌ای از اصول و فروض معرفتی (نظام مشترک معنایی) پیروی می‌کنند و براساس آن به کنش اجتماعی می‌پردازند [۱۲]. در اثر تحولات اجتماعی و تکنولوژیک، مجموعه‌ای از جریان‌های اجتماعی را می‌توان دید که در آینده پدید می‌آیند یا در آینده گسترش می‌یابند و افزایش اهمیت آنها موجب می‌شود که به یک مسئله اجتماعی تبدیل شوند. در این بخش برخی از این موارد که عمدتاً در لایه مسائل دینی تجمیع شده‌اند، به عنوان مسئله‌های نوپدید آینده مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱-۳-۳. تضعیف ساختارها و سازمان‌های دینی در جامعه

سازمان‌ها و ساختارهای دینی، چه در قالب سازمان‌های دینی جدید و چه در قالب نهادهای دینی سنتی، با چالش‌هایی همراه هستند. از سویی در جامعه اطلاعاتی، دین‌داران وابستگی اطلاعاتی زیادی به نهادهای رسمی دینی ندارند و دسترسی عمومی به منابع دینی و مذهبی به صورت آنلاین و از طریق شبکه‌های اجتماعی و آفلاین وجود دارد. از سویی دیگر بسیاری از دین‌داران در حال تجربه مسیرهای متفاوتی از دین‌ورزی‌اند که از مسیر نهادهای رسمی یا سنتی دینی نمی‌گذرند.

از طرف دیگر، گرایش به یک ساختارگریزی یا به نوعی فراساختارگرایی است که اعتماد افزون‌تری به ساختارهای مردمی، غیردولتی و غیررسمی است و ترجیح بر این است که تا جایی که می‌شود مسائل به ساختارهای غیررسمی موکول شود. به خصوص در امور دینی، فعالیت‌های دینی حکومتی به نوعی محکوم هستند و به چشم خوبی به آنها نگریسته نمی‌شود. به هر حال، با وجود این چالش‌ها، سازمان‌های دینی همچنان نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند و برخی از آنها با تلفیق فرهنگ و تفکر دینی با فناوری، به دنبال جذب جوانان و نسل جدید هستند. مسئله مهم ایجاد تطابق و هم‌نوایی میان ساختارهای رسمی با فراساختارهای غیررسمی است تا بتوانند از مزایای یکدیگر بهره ببرند.

۲-۳-۳. بروز و شکل‌گیری ادیان فرد ساخته

به طور کلی روندی در فاصله گرفتن از الگوهای سنتی و رفتن به سمت الگوهای انتخابی را می‌توان مشاهده نمود. این روند در دین‌داری نیز کمابیش نمود دارد و بازاندیشی فردی یا حتی انتخاب فردی بدون بازاندیشی قوی، در حال افزایش است. این روند به رشد دین‌داری انتخابی بازاندیشانه و در عین حال تلفیقی جایگزین منجر خواهد شد. یعنی آدم‌ها خودشان تصمیم می‌گیرند چه حد و اندازه‌ای از دین را در مناسک یا اعتقادات یا اخلاق بپذیرند؛ آدم‌ها در مسند کسی که صلاحیت و آگاهی کافی دارد نشسته، دست به انتخاب و گزینش نوع دین‌داری می‌زنند. افکار و تصورات درونی خود را نمایان کنند و این حق و اعتبار را برای خود قائل‌اند که احساسات، گرایش‌ها و تعلقاتشان را مبنای عمل قرار دهند. حتی کسانی که به ظاهر از دین‌داری سنتی تبعیت می‌کنند، این را انتخاب کرده‌اند که از مظاهر و اشکال دین‌داری به شکل سنتی آن پیروی کنند. تبعیت آنان از چنین دینی، به شکل سنتی و از روی تبعیت بی‌چون و چرانیست، بلکه از روی انتخاب و گزینش از میان گزینه‌های موجود است که یکی از گزینه‌ها، شکل و ظاهر سنتی و پایدار دین است [۱۳].

علائم و نشانه‌های موجود گویای تمایل و توانایی جوانان به تلفیق دنیا‌های متفاوت است. بخشی از جوانان امروز در حال تلفیق «مسجد و ماهواره» اند و ظاهراً با این تلفیق احساس آنومی، تضاد و تناقض هم نمی‌کنند. فرایند اختلاط فرهنگی در دو دهه گذشته روبه‌رشد بوده و «علائق نظری را نیز به خود جلب کرده است؛ به‌طوری که مفاهیمی چون چهل تکه‌سازی و دور گه‌ای را جایگزین مفاهیمی، چون امپریالیسم فرهنگی، آمریکایی شدن و مک‌دونالدی شدن کرده است». چنین وضعیتی خاص جامعه ایرانی نیست و در بسیاری از کشورهای در حال گذار یا در حال توسعه، نشانه‌هایی از این چهل تکه‌سازی فرهنگی را می‌توان دید [۱۴].

زنجیره اتفاقات این‌طور رقم خورده است: انسان مدرن ابتدا قرائت واحد از دین را شکسته و قرائت‌های متفاوت و جدید را ایجاد کرده است. سپس محدوده انتخاب خود را افزایش داده و این حق را برای خود قائل شده است که در دایره هیچ کدام از قرائت‌های متنوع از دین محصور نشود. اینجاست که انسان گزینش‌گر شروع می‌کند به انتخاب تکه‌های مختلف از قرائت‌های مختلف؛ در حقیقت او با گزینش‌گری، قرائت خاص و ویژه خود را از دین می‌سازد و هر قسمت از اعتقادات خود را از منبعی می‌گیرد [۱۳].

دین فردی شده و خود ساخته در عین حال می‌تواند بستری برای انحرافات دینی یا تحریفات دینی باشد که به‌نوعی یک آسیب دینی قلمداد می‌شود و باید برای آن تمهیداتی اندیشیده شود که جوانان دچار آسیب دینی نشوند؛ ولی از سوی دیگر لازم است نگاه فرصت‌محوری را هم در آن اعمال کرد و تحول دینی برخی افراد به دین فرد ساخته را اولاً پایداری آنها در دینداری در دوران معاصر تلقی نمود و ثانیاً آن را کنشگری فعال در دین دانست که می‌تواند در صورتی که همراه با پرسشگری و جست‌وجوگری باشد به هدایتی منجر شود که پایدار، عمیق و درون‌زاست. از این جهت دین فردی، نیازمند سیاست‌گذاری هوشمندانه‌ای است که هر دو جنبه تهدید و فرصت را ببیند.

۳-۳-۳. جریان‌های معنوی نوظهور جنسیتی (زنانه)

می‌توان گفت که تأکید بر برابری فرصت‌های بین جنسیت‌ها می‌تواند با گرایش‌های معنوی جدید ترکیب و به وجود جریانات جدیدی از این قبیل منجر شود؛ بنابراین، گرایش‌های معنوی جدید می‌توانند با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی و روحی، به وجود جریاناتی مانند «فمینیسم معنوی»، «زنان معنوی» یا «جامعه‌شناسی معنوی» منجر شوند. این جریانات، با تأکید بر ارزش‌های معنوی و روحی، به دنبال رسیدن به هدف‌هایی مانند برابری جنسیتی، حقوق زنان، عدالت اجتماعی و... هستند. در اینجا، جریانات جدید زنان به دنبال ایجاد شرایطی اند که زنان همچنان قادر به مشارکت در تمام زمینه‌ها باشند، اما این حق را داشته باشند تا به آنچه برای خود درست می‌دانند بپردازند؛ بنابراین، به جای تأکید بر برابری جنسیتی، در جریانات جدید زنان بر برابری فرصت‌ها و حقوق بین جنسیت‌ها تأکید می‌شود.

۳-۳-۴. گسترش آموزه‌ها و عقاید معنویت‌گرایی در لایه عموم

در دوره اخیر، فرقه‌ها و گرایش‌های معنویت نوظهور به شدت در حال گسترش‌اند و تأثیرات آنها روی لایه عمومی جامعه قابل مشاهده است. برای مواجهه با این مسئله، بسیاری از کشورها و سازمان‌های جهانی چاره‌هایی را پیشنهاد کرده‌اند که به‌طور خلاصه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱) **آموزش:** به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه شناخته شده است. باید آموزش درست و علمی درباره این گرایش‌ها و فرقه‌های مختلف، به همراه توضیحاتی در مورد مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به افراد عادی تأمین شود.

۲) **پایش و نظارت:** پایش و نظارت بر فعالیت‌های این گروه‌ها و فردیت‌های معنویت نوظهور، یکی دیگر از راهکارهای مهم برای کنترل آنهاست. باید سازمان‌های مختلف، به‌ویژه نهادهای قضایی و امنیتی، در این زمینه فعال شود.

۳) **ترویج ارزش‌های خوب:** ترویج ارزش‌های خوب و همدلی، به‌عنوان یکی دیگر از راهکارهای مهم در این زمینه شناخته شده است. باید سازمان‌های مجتمع، مساجد و نهادهای دینی، این ارزش‌ها را به افراد منتقل کند تا بتوان جامعه را در برابر این گرایش‌ها و فرقه‌ها محافظت کرد.

۴) **توسعه فضایی برای گفت‌وگو:** توسعه فضایی برای بحث و گفت‌وگو، به‌عنوان یکی دیگر از راهکارهای مهم در این زمینه شناخته شده است. باید فضاهایی را برای بحث و گفت‌وگو ایجاد کرد تا افراد بتوانند نظرها و تجربیات خود را به اشتراک بگذارند.



بیشترین تأثیر واقعی در کنترل گرایش‌های معنویت نوظهور، از طریق رویکرد تعامل و بهره‌مندی از مزایا به دست می‌آید. به علاوه، با تعامل و همکاری با این گرایش‌ها و فرقه‌ها، می‌توان از منظر تجاری و اقتصادی بهره‌مندی کرد و سودآوری برای کشور به وجود آورد. این نوع رویکرد، از هزینه‌های کنترل و پایداری جامعه صرف نبوده و به جای آن، به جذب توجه و همکاری این گروه‌ها و فرقه‌ها از طریق برنامه‌های تحریک‌آمیز، ترویجی و تشویقی متمرکز شده است. به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد رویکرد تعامل و بهره‌مندی از مزایا برای کنترل گرایش‌های معنویت نوظهور، به‌خصوص در جامعه‌های با اختلافات ایدئولوژیکی بالا، اثربخش‌تر از رویکرد کنترل و سرکوب باشد.

۴-۳. مسائل مربوط به نهادهای اجتماعی

نهادهای، دستگاه‌ها، سازمان‌ها، و ساختارهایی که حاکم بر روابط میان بازیگران و ذی‌نفعان در موضوعات فرهنگی و اجتماعی است، می‌تواند دستخوش تغییراتی شوند که مسائل نوپدید را به وجود آورند. در ذیل برخی از این موارد مرور می‌گردد:

۴-۳-۱. حکمرانی تنظیم‌گری در امور فرهنگی اجتماعی

حکمرانی تنظیم‌گرانه در واقع به معنی استفاده از روش‌های نوین برای مدیریت جامعه است. در حکمرانی تنظیم‌گرانه، دولت به‌عنوان سازمان تأمین‌کننده خدمات به جامعه نگریده و با هدف بهبود عملکرد، بهینه‌سازی پروسه‌ها، غلبه بر چالش‌ها و ارائه خدمات بهتر و مؤثرتر برای جامعه فعالیت می‌کند.

بخش فرهنگی جامعه نیز به‌عنوان یکی از بخش‌های اصلی جامعه، نیازمند حکمرانی تنظیم‌گرانه است. بخش فرهنگی در همه جوامع نقش مؤثری در شکل‌گیری الگوهای رفتاری، تمدن و هویت ملی دارد. در واقع، فرهنگ جامعه باید به گونه‌ای توسعه یابد که بتواند با چالش‌های جدید جامعه سازگاری داشته باشد.

در حال حاضر، جوامع با چالش‌های بسیاری مواجه‌اند که به رویکردهای نوین در حکمرانی نیاز دارند. برای مثال، تغییرات سریع و پی‌درپی در فناوری و اطلاعات، گسترش شهرنشینی، تحولات اقتصادی و اجتماعی، فرهنگ‌های مختلف و... همه به چالش‌هایی برای جوامع منجر شده‌اند. در این شرایط، بخش فرهنگی جامعه نیز نیاز دارد که با استفاده از روش‌های حکمرانی تنظیم‌گرانه، با چالش‌های جدید جامعه سازگار شود و خدمات بهتر و مؤثرتری به جامعه ارائه دهد. به‌طور خلاصه، حکمرانی تنظیم‌گرانه در بخش فرهنگی جامعه به‌منظور توسعه فرهنگ جامعه، اصلاح الگوهای رفتاری غیرمطلوب، ترویج فرهنگ‌سازی مثبت و ارائه خدمات فرهنگی به جامعه، ضروری است.

۴-۳-۲. فروش محصولات فرهنگی با سیستم بلاک‌چین و حذف شرکت‌های فرهنگی هنری

از طرفی، با استفاده از سیستم‌های بلاک‌چین و فناوری‌های نوین، می‌توان تراکنش‌ها را به‌صورت مستقیم بین خریداران و فروشندگان انجام داد که این روش می‌تواند به کاهش هزینه‌های واسطه‌گری، افزایش شفافیت و حفظ امنیت در تراکنش‌های مالی دامن زده باشد؛ بنابراین، استفاده از سیستم‌های بلاک‌چین و فناوری‌های نوین، می‌تواند به چالشی برای شرکت‌های فرهنگی هنری و واسطه‌گران موجود تبدیل شود، اما این به‌معنای حذف آنها نیست و بهتر است که آنها نیز با استفاده از این فناوری‌ها، تغییرات لازم را در روش‌های توزیع و فروش خود ایجاد کنند و با نوآوری و تغییر الگوهای مدیریتی، جای خود را برای ادامه فعالیت در بازار با قابلیت رقابت‌پذیری داشته باشند.

۴-۳-۳. قراردادهای هوشمند مالکیت معنوی

قرارداد هوشمند^۱ یک قرارداد الکترونیکی است که به‌وسیله بلاک‌چین اجرا می‌شود. این قرارداد در قالب کد برنامه‌نویسی شده و دارای قابلیت اجرای خودکار و بدون دخالت انسانی است. در واقع، قرارداد هوشمند توسط بلاک‌چین تأیید و بررسی می‌شود و پس از تأیید، از طریق معاملات بلاک‌چین اجرا می‌شود. در این نوع از قراردادها، شرایط و مقررات بین طرفین از پیش تعیین و به‌صورت کد برنامه‌نویسی شده است. قراردادهای هوشمند می‌توانند صنعت فرهنگ را در چندین جنبه متحول کنند:

1. Smart Contract

۱. پرداخت به محتوای خلاق: با استفاده از قراردادهای هوشمند، می توان به صورت مستقیم و خودکار، حق الزحمه محتوای خلاق را به خالق آن پرداخت و از این طریق حقوق مالکیت معنوی را تضمین کرد.

۲. حفاظت از حقوق تکثیر: با استفاده از قراردادهای هوشمند، مالکان آثار فرهنگی می توانند به راحتی حقوق خود را برای تکثیر آثارشان تعریف کنند و در صورت نقض، به صورت خودکار اقدام به جبران خسارت شوند. به همین خاطر نیاز به واسطه گری مؤسسات فرهنگی و هنری از این نظر کاهش می یابد و دسترسی مستقیم تولید کنندگان به مصرف کنندگان ایجاد می شود.

۳. توزیع عادلانه سود: با استفاده از قراردادهای هوشمند، مالکان آثار فرهنگی می توانند درآمد حاصل از فروش آثارشان را به صورت عادلانه تری توزیع کنند، به طوری که هر فردی که در ساخت یا توزیع آن آثار سهیم بوده، به نسبت مشارکتشان پاداش بگیرند.

۴. تضمین اصالت آثار: با استفاده از قراردادهای هوشمند، مالکان آثار فرهنگی می توانند به راحتی اصالت آثارشان را تضمین کنند؛ به طوری که هیچ فرد یا شرکتی نتواند با جعل آثار، سود حاصل از آنها را به دست بیاورد.

۵. پایان دادن به مشکلات حقوقی: قراردادهای هوشمند می توانند با رفع مشکلات حقوقی در صنعت رسانه، به بهبود شرایط کاری در این صنعت، و در نتیجه، به توسعه صنعت رسانه کمک کنند.

۴-۳. تجدید قوانین کار بر اساس شرایط آزادکاری (فریلنسینگ)^۱

آزادکاری یا فریلنسینگ، سبکی رو به گسترش از کار است که در آن شخص به صورت منعطف در زمان و مکانی که خودش می خواهد به انجام کار می پردازد و نتایج آن را به کارفرما ارائه می دهد. کار به صورت پروژه ای انجام می شود و پرداخت ها نیز به همین صورت است. به علت گسترش صنایع خلاق و مبتنی بر فناوری اطلاعات و به خصوص بعد از همه گیری کرونا، روند رشد آزادکاری گسترش زیادی یافته است. شرکت ها و سازمان ها نیز به علت کاهش هزینه های پرسنلی و تجهیزات و مکان، و به علت بهره وری بالاتر، از این روند استقبال می کنند. ولی گسترش آزادکاری دارای چالش هایی است و مسئله های جدیدی را در پی خواهد داشت. آزادکاری نیازمند توانایی کارفرما در جزئی کردن کارها برای قابلیت پروژه شدن آنهاست. همچنین فریلنسر ها نیازمند مهارت هایی برای برنامه ریزی و زمان بندی برای انجام تعهدات هستند. به بیان دیگر می توان گفت، آزادکاری نیازمند فرهنگ خاص خود است که باید به تدریج به وجود آید. از سوی دیگر بازنگری قوانین و مقررات حاکم بر شرایط اشتغال، بیمه و قوانین زمین برای آمادگی این مسئله لازم و ضروری است.

۵-۴-۳. توسعه فضای سوم جهت جلب مشارکت مردم در امور خیر جمعی

بخش وقف و خیریه به معنای بخشی از اقتصاد که در آن جریان فعالیت های اقتصادی بر مبنایی غیر از منفعت طلبی شخصی مادی بنا می شود، در ادبیات متعارف اقتصادی بیشتر با اصطلاح بخش سوم اقتصاد یا بخش داوطلبانه، غیرانتفاعی خوانده می شود. بخش سوم مجموعه مؤسسات و فعالیت های غیرانتفاعی (بدون سود) یا مؤسسات و فعالیت هایی را شامل می شود که با توزیع محدود سود، زمینه را برای کمک های خیرخواهانه فراهم می آورند. از آنجا که متغیرهای اقتصادی به انسان مربوط می شود و اخلاق و ارزش های اخلاقی در رفتار انسان ظهور می یابد، بخش سوم که مبتنی بر ارزش های اخلاقی است، می تواند نقش قابل توجهی در اقتصاد ایفا نماید. نهادسازی هایی که در دین مقدس اسلام برای تقویت این بخش توصیه شده است، عامل کاهش اصطکاک و هزینه های مبادلاتی است که در یک کشور، بستر تقویت بخش سوم اقتصاد، و راه را برای تخصیص منابع خرد و کلان در جهت توسعه آن فراهم می کند [۱۵].

بخش سوم اقتصاد و به طور کلی امور خیر در حال گسترش است و روز به روز نقش جدی تر و گسترده تری را در جوامع به دست می آورد. دولت ها و نیروهای متمرکز حاکمیتی، از قدرت مطلق و بلامنازع بودن فاصله می گیرند و به سمت نوعی از حکمرانی که تنظیم گراانه است و به تنظیم روابط میان بازیگران می پردازد، حرکت می کنند؛ بنابراین بسیاری از نیازهای عام المنفعه و عمومی نمایان خواهند شد که نمی توان بخش



خصوصی را متولی آن دانست؛ چراکه مبتنی بر سودآوری نیستند. این نوع امور باید به بخش سوم اقتصاد یعنی اموری مانند وقف، امر خیر یا فعالیت‌های داوطلبانه سپرده شود.

از سویی دیگر اهتمام به امور خیریه یا فعالیت‌های داوطلبانه در زندگی افراد نیز در حال گسترش است و افراد احساس می‌کنند الزاماً باید مقداری از وقت و یا دارایی‌های خود را به اموری فراتر از زندگی شخصی خودشان اختصاص دهند. سهم گردش مالی سازمان‌های وقف و امور خیریه در جهان در حال گسترش است.

شاید در برخی نقاط جهان، گسترش امور خیریه را بتوان در چارچوب زندگی مدرن و معنابخشی‌های (غیرالهی) به زندگی تفسیر نمود، ولی در ایران همچنان انگیزه‌های دینی و اهتمام به هدایت عمومی برادران و خواهران و رفع نیازهای مؤمنین، بسیار قدرتمندند و می‌توانند نقش جدی در گردش اقتصاد کشور را به عهده گیرند.

توسعه فضای سوم در اقتصاد، فقط نیازمند طراحی نظام اقتصادی نیست، بلکه نظام فرهنگی و اجتماعی جامعه نیز نقشی جدی در توسعه فضای سوم دارد. از این رو لازم است به عنوان یک مسئله آینده به توسعه بخش سوم اقتصاد نگریسته شود و از سویی در راستای گسترش اقتصاد خیر تلاش‌های سیاستگذارانه صورت گیرد، و از سویی دیگر پیامدهای گسترش امر خیر و کارهای داوطلبانه، در جهت مواجهه با پیامدهای آن آمادگی کسب نماید.

۵-۳. مسائل مربوط به سبک زندگی

۱-۵-۳. هوش مصنوعی و کلان داده در تصمیم‌گیری‌های افراد

هوش مصنوعی و کلان داده‌ها می‌توانند به افراد در تصمیم‌گیری‌هایشان کمک کنند. این فناوری‌ها با استفاده از الگوریتم‌های پیچیده، تحلیل دقیق داده‌ها و شناخت الگوهای تکراری در رفتارهای انسانی، اطلاعات و راهنمایی لازم را برای تصمیم‌گیری در اختیار فرد می‌گذارند. هم‌اکنون شرکت‌های تبلیغاتی و فروش، از هوش مصنوعی و کلان داده‌ها برای پیشنهاد دادن محصولات و سرویس‌های مرتبط با نیازها و سلیقه‌های اختصاصی مشتریان‌شان استفاده می‌کنند.

سیستم‌های پیشنهاددهی می‌تواند به همه تصمیمات روزمره انسانی گسترش پیدا کند؛ هم تصمیمات فردی و هم تصمیمات شغلی و حرفه‌ای. به این واسطه تصمیمات می‌تواند کاملاً مبتنی بر عینیات خارجی و واقعی باشد و بر پایه داده‌ها و شواهد گسترده بنا شود. در کل، استفاده از هوش مصنوعی و کلان داده در تصمیم‌گیری‌های افراد، می‌تواند بهبود قابل توجهی در کیفیت تصمیم‌گیری‌ها، کاهش زمان و هزینه‌های مربوط به تحلیل داده‌ها و افزایش بهره‌وری دستگاه‌های تصمیم‌گیری برای کاربران داشته باشد. به همین خاطر در آینده با سبک جدیدی از تصمیم‌گیری انسانی مواجه خواهیم بود که الگوریتم‌های محاسباتی در آن نقش اساسی را بازی می‌کند. با این حال، تصمیماتی که با کمک هوش مصنوعی پیشنهاد می‌شود، به دور از ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌های شخصی فرد هم نیست و منطبق با الگوی فکری، روحی و رفتاری هر فرد است. ماشین ابتدا مبتنی بر داده‌ها، الگوهای فردی را کشف می‌کند و بر اساس پیشنهاد دادن منطبق بر آن تعلیم می‌بیند. یادگیری سیستمی باعث می‌شود هر چه بیشتر به معیارهای فرد نزدیک شود.

۲-۵-۳. سیستم‌های هوشمند دستیار انسان به صورت بومی و سالم

باتوجه به اینکه سیستم‌های هوشمند دستیار انسان در آینده بسیاری از حوزه‌های زندگی ما را فرا خواهند گرفت، لازم است که بنا به نیازهای جامعه و شرایط ساختاری آن، اقدامات مناسبی برای توسعه و تأمین این سیستم‌ها صورت گیرد. توسعه و تأمین سیستم‌های هوشمند دستیار انسان به صورت بومی و سالم از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این سیستم‌ها با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، یادگیری عمیق و شبکه‌های عصبی، به ارائه خدمات و دستیار در حوزه‌های مختلفی همچون بهداشت، آموزش، خدمات شهری، حمل‌ونقل، بازاریابی و... قادرند. تصمیمات جدی زندگی فردی مانند ازدواج، دوست‌یابی، محل زندگی یا سرمایه‌گذاری به کمک دستیاران

هوشمند گرفته خواهد شد. همچنین تصمیمات ملی و اجتماعی نیز با دستیاری دستیاران هوشمند به دست می آیند. از هم اکنون لازم است برای تأمین دستیاری که منطبق بر ملاک‌ها و معیارهای بومی، اسلامی و اخلاقی عمل کنند، آمادگی لازم به دست آید. همچنین ملاحظات امنیت داده‌های فردی و ملی باعث می شود اهمیت دستیاران بومی ضرورتی غیر قابل اهمال گردد. دستیاران دسترسی کامل و گسترده‌ای به داده‌ها دارند و لازم است امنیتشان تضمین شود.

۳-۵-۳. شش‌دوم‌ها (انسان سایه‌ها)

انسان سایه‌ها در واقع همان همزادهای انسان‌ها در فضای مجازی‌اند که توسط هوش مصنوعی تولید و در خدمت اهداف قانونی افراد و شرکت‌ها یا اهداف غیرقانونی هکرها یا مجرمان سایبری به کار برده می شوند. در فضاهای واقعیت مجازی، افراد با شمایل مجازی خود زندگی می کنند و با آنها با دیگران در تعامل‌اند. این شرایط، زمینه‌ای را فراهم می کند تا ربات‌هایی به جای انسان‌ها در فرایندهای تعاملی قرار گیرند و به جای آنها فعالیت نمایند، مثلاً به جای آنها خرید و فروش کنند، به جای آنها به انتشار پست بپردازند، به جای آنها به تعامل و پاسخ به کاربران بپردازند و غیره. در حقیقت روند خودکارسازی در این حالت می تواند به اوج خود نزدیک شود و کاربران مقدار زیادی از فعالیت‌های را به ماشین‌ها می سپارند. ولی آنچه وضعیت خودکارسازی را با جهشی بزرگ همراه می کند، هوشمندسازی است. ربات‌های هوشمند فقط کارهای از قبل تعیین شده توسط صاحبان خود را انجام نمی دهند، بلکه مبتنی بر معیارها و ذائقه آنها دست به تصمیم‌گیری هم می زنند یا قادرند با سایر افراد گفت و گو، تعامل و چانه‌زنی و در نهایت معامله نیز کنند. این قابلیت باعث خواهد شد، ربات‌ها صرفاً سربازان مکانیکی گوش به فرمان نباشند، بلکه سایه‌ای از انسان باشند که قابلیت‌های متنوعی دارند.

رشد تحولات فناوری‌های نو مانند هوش مصنوعی و واقعیت افزوده، نشان می دهد که در آینده‌ای نزدیک شش‌دوم‌ها به عنوان دستیاری توانمند به انسان‌ها خدمت می کنند. در نگاه اول در شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی ظاهر می شوند؛ اما جذابیت‌های دستیار توانمند هوش مصنوعی وقتی همراه با محدودیت‌هایی چون کمبود زمان، مشغولیت‌های کلان و... انسان‌ها می شود، جذابیتی دوچندان می یابد و به نظر می رسد برای افراد عادی نیز داشتن همزاد و دستیاری توانمند از جنس هوش مصنوعی با توانمندی خود تقویتی جذابیت دارد و حتی روزی به ضرورت تبدیل می شود.

مسئله اصلی، تبعات ناشی از ایجاد و فراگیری انسان سایه‌هاست. ظهور این فناوری علاوه بر اینکه به اشکال مختلف در تمام حوزه‌های مرتبط با زیست بشری اثر می گذارد و هر کدام تبعات، پیامدها و قوانین مختص به خود می خواهد، به صورت کلی ما را با چالشی پیرامون ظهور و الزامات زیست انسان سایه‌ها می نماید. در واقع مسئله اصلی استراتژی و راهبردهای ما در پذیرش و سامان‌دهی این انسان سایه‌ها در زندگی بشری و تدوین الزامات مرتبط با آن است.

علی‌رغم اینکه ظهور انسان سایه‌ها تمام حوزه‌های زندگی بشری را تحت تأثیر قرار می دهد، با این حال چالش‌های زیر به عنوان مهم‌ترین پیامدهای آن می تواند به عنوان در دستور حکمرانان به منظور تعیین ضوابط لازم قرار گیرد:

● احراز هویت

نداشتن توانایی تشخیص فعالیت‌های انسان سایه از فرد حقیقی با عدم امکان تأیید اصالت انسان سایه و ارتباط آن با فرد حقیقی و مالک آن می تواند زمینه بروز مجادلات و سوءاستفاده‌ها را برای جوامع آینده دربر داشته باشد. در مذاکرات تجاری، مباحث آموزشی و مشاوره‌ای و حتی گفت‌وگوهای صمیمانه اجتماعی مسئولیت هر گونه سخن، تعهد و اظهار نظر و... باید توسط مالک انسان سایه تأیید شود و در قبال آن پاسخ‌گویی انجام گیرد که در صورت عدم احراز هویت و تأیید اصالت آن اسباب تنازعات متعددی می شود.

● مالکیت بعد از مرگ

از آنجاکه انسان سایه‌ها در فضای مجازی به نوعی جایگزین فعالیت‌ها و اقدامات فرد حقیقی می شوند و ارتباط مستمر و گسترده‌ای را پیدا می کنند، چالش اصلی زمانی رخ می دهد که پس از مرگ مالک اصلی وضعیت انسان سایه تعیین نگردد. در این خصوص چگونگی پایان دادن



یا تداوم فعالیت انسان سایه در فضای مجازی نیاز به ارائه ضوابطی در خصوص تعیین حقوق وراث دارد. انسان سایه‌ها به عنوان همزاد توانمند انسان‌ها امکان فعالیت و ارائه خدمات مختلف با هدف کسب درآمد برای مالک خود دارد. این جریان درآمدی می‌تواند هم از منظر مالیاتی و هم از منظر ذی‌نفعان مورد توجه باشد.

● چالش تنازعات و تعقیب قضایی

در این حوزه پیامدهای ناشی از هرگونه اظهارنظرهای خلاف واقع، توهین یا ارتکاب رفتار مجرمانه اعم از مالی یا سیاسی می‌تواند به صورت مستمر به شکل گیری دعاوی حقوقی منجر شود که هر کدام بدون شک باید از منظر اصالت و پاسخ‌گویی مالک آن بررسی و به صدور رأی منجر شود. طیف مسائل و موضوعاتی که می‌تواند زمینه‌ای دعاوی را شکل دهد از سویی، و نبود ضوابط و قوانین شفاف از سویی دیگر، به اندازه‌ای وسیع است که خود می‌تواند بخش زیادی از ظرفیت دادرسی کشور را مشغول به خود کند و به انباشت و اطاله دادرسی‌ها منجر شود.

● چالش صلاحیت تخصصی

به مدد الگوریتم‌های هوش مصنوعی، صحبت کردن در هر حوزه تخصصی آسان شده است. انسان سایه‌ها که از قدرت تولید و نشر دانش هوش مجازی بهره می‌برند، می‌توانند در قالب هر تخصص دلخواه به تولید محتوا (آموزشی یا غیرآموزشی) بپردازند که هم انتفاع مالی برای مالکان خود و هم ایجاد اعتبار علمی و معنوی برای مالک به ارمغان بیاورد. اینکه افراد اجازه بهره‌گیری از هوش مصنوعی در تولید متون و محتوایی که در آن فاقد صلاحیت علمی اند و نشر و انتفاع مادی و معنوی آن در فضای مجازی چگونه باید مدیریت و سازمان‌دهی شود، نیز بخشی از چالش‌های پیش‌روی ماست. تصور کنید یک مؤسسه آموزشی با تولید یا ساخت کاراکترهای معلمان مجازی طیف گسترده‌ای از آموزش را مبتنی بر هوش مصنوعی ارائه دهد. آیا این تولید محتوا در فضای مجازی توسط هوش مصنوعی که فاقد مدارک معتبر علمی در دنیای واقعی برای مالک آن انسان سایه‌ها بوده، از نظر قانونی مجاز است یا خیر؟

● محدودیت‌های سنی

آیا استفاده از انسان سایه‌ها هم دارای محدودیت است؟ چنانچه کودکان و نوجوانان از این امکانات بتوانند استفاده کنند، آیا می‌توان با ابزارهای قانونی جلوی آنها را گرفت؟ از سوی دیگر آیا انسان سایه‌ها می‌توانند به بازنگری در محدودیت‌های سنی منجر شوند؟ آیا یک انسان سایه می‌تواند به گونه‌ای بالغانه عمل کند که کودک را قادر کند در فضای مجازی هم فعالیت بی‌خطری داشته باشد؟ همان‌طور که خان‌ها و پادشاهان قدیم برای اطفال خود ندیم‌هایی را قرار می‌دادند و آنها دستیارانی بودند که کودکان را قادر به تعامل و دستور دادن به دیگران می‌کردند. در هر صورت چشم‌انداز روبه‌رشد از توسعه به کارگیری انسان سایه‌ها زنگ هشدار برای مداخله بهینه سیاستگذار و لزوم احراز هویت انسان سایه‌ها و شفاف شدن نسبت آن با مالکان حقیقی آنهاست.

۴-۵-۳. متاورس‌های جهانی، ملی و تخصصی

متاورس‌های جهانی به عنوان فضایی که با بهره‌گیری از فناوری‌های واقعیت مجازی، اینترنت اشیاء، بلاک چین و واقعیت افزوده رشد کرده است، سبک جدید از تعاملات گسترده و از راه دور را فراهم می‌کند. با این حال، توسعه متاورس با مسئله‌های متعددی روبه‌رو است و حاکمیت‌های ملی از گسترش آن احساس خطر می‌کنند. پس از تجربه برخی موارد که شبکه‌های گسترده متاورس جهانی رونمایی شدند، نسخه‌های متفاوتی نیز از این فضای مجازی نیز در حال تولد است. متاورس‌های ملی نیز در دستور کار قرار گرفته است. کره جنوبی خبر از راه‌اندازی یک متاورس ملی برای شهروندان سئول داده است. این محیط آنلاین به یک «محیط ارتباط شهروندان پایتخت» تبدیل می‌شود تا این امکان برای آنان فراهم گردد که به صورت کاملاً مجازی از تمام جاذبه‌های گردشگری سئول بازدید کنند و همچنین به اسناد رسمی دسترسی داشته باشند و در کنار این مزایا از قابلیت ثبت شکایات و دریافت پاسخ سؤالات مربوط به حوزه ثبت مالیات شهرداری نیز در این پروژه متاورسی بهره ببرند. در کنار این، متاورس‌های تخصصی که در حیطه‌های خاصی و با اهداف مشخصی فعالیت می‌کنند، نیز در حال رونمایی و توسعه‌اند. مثلاً متاورس‌های آموزشی که فضای اختصاصی را برای ارتباط میان افراد مرتبط با یک مدرسه ایجاد می‌کنند یا متاورس‌هایی

برای برگزاری جلسات مشاوره یا تصمیم‌گیری و... این نوع متاورس‌ها با چالش‌های متاورس‌های جهانی گسترده مواجه نیستند.

۵-۳. مسائل ناشی از نگهداری گربه، سگ و سایر حیوانات در خانه‌های شهری

نگهداری از حیوانات در خانه و شهر، در سالیان اخیر رشد زیادی داشته است. هم‌اکنون وضعیت نگهداری از حیوانات از فقدان قوانین مناسب و کافی رنج می‌برد. این مسئله جنبه‌های متعددی را دربردارد که نیازمند توجه به همه ابعاد آن است... از سویی دیگر نگهداری از حیوانات محدود به حیوانات اهلی نمی‌شود. روند رشد نگهداری حیوانات غیراهلی، وحشی و حتی خطرناک نیز روندی افزایشی بوده است. به علل مختلف، احتمالاً این روند در آینده وضعیت افزایشی تری را نیز تجربه خواهد کرد. کاهش جمعیت خانواده‌ها، کاهش فرزندآوری، کاهش ازدواج، فردگرایی بیشتر و به‌طور خلاصه روند تنهایی انسان‌ها، گرایش به ارتباط با حیوانات را افزایش خواهد داد. همچنین نیاز انسان مدرن به تفریح و سرگرمی برای پر کردن اوقات فراغت با توجه به افزایش روزافزون اوقات فراغت و گرایش به انواع سرگرمی‌ها، دلیلی بر رشد این روند خواهد بود. همچنین توجه به وسعت جریان‌های مالی و اقتصادی حول محور تجارت حیوانات یا تربیت و خرید و فروش آنها و صنعتی که حول محور نگهداری و درمان این موجودات شکل گرفته و دائماً در حال افزایش است، نشان‌دهنده نیرویی پایدار جهت توسعه صنعت حیوانات خانگی است. بازار جهانی این تبادلات و رقابت کشورها در این زمینه نیز قابل توجه است. در سال ۱۴۰۰ پیش‌نویس طرحی با عنوان «طرح صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات مضر و خطرناک» توسط ۷۵ نفر از نمایندگان تهیه و به مجلس ارائه شد. این طرح واکنش‌های زیادی را در فضای عمومی جامعه ایجاد کرد. این طرح پدیده تولید، تکثیر، واردات، خرید و فروش و گردانیدن حیوانات را یک معضل و مشکل مخرب اجتماعی دانسته است. این طرح بر حیوانات وحشی، غیرمتعارف، مضر و خطرناک تمرکز کرده است و سگ و گربه را نیز شامل آن می‌داند. در این طرح با توجه به مشکلات گزارش شده این پدیده، در زمینه سلب آرامش شهروندان و دلهره، مسائل اقتصادی، آلودگی، بیماری‌های حیوانات، و اختلافات حقوقی میان مردم، به‌نوعی به دنبال محدود کردن و کنترل کردن این پدیده است.

با توجه به مشکلاتی که این طرح داشت، هنوز اقدامی در زمینه بررسی و تصویب صورت نگرفته است. با توجه به روند افزایشی این مسئله، می‌توان آن را موضوعی دانست که نیاز است در آینده به آن پرداخته شود.

۶-۵-۳. کاهش متراژ مسکن و تمایل به فرهنگ گروه‌نشینی

با توجه به افزایش قیمت مسکن، احتمالاً خانه‌های گروهی در آینده افزایش خواهند داشت. خانه‌های گروهی^۱ به معنای خانه‌هایی است که توسط گروهی از افراد با همکاری ساخته و مدیریت می‌شوند. در خانه‌های گروهی، علاوه بر اتاق‌های خصوصی برای اعضای گروه، فضاهای مشترکی نیز وجود دارد که برای استفاده از تجهیزات و خدمات مختلف مانند آشپزخانه، پذیرایی، رخت‌شویی و... مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین ممکن است در این نوع از خانه‌ها، فضاهای سبز و بازی‌های کودکان نیز طراحی شده باشد.

در مقایسه با مسکن معمولی، خانه‌های گروهی همچنین باعث کاهش هزینه‌های مربوط به ساخت و نگهداری مسکن می‌شود؛ زیرا هزینه‌های اجاره و نگهداری فضاهای مشترک بین افراد تقسیم می‌شود؛ هرچند افراد به دلیل مشارکت در خیلی از امور نیاز به رعایت موارد متعدد دارند و باید دقت بیشتری در ارتباطات خود داشته باشند. زندگی در این خانه‌ها نیاز به فرهنگ متفاوتی دارد که افراد باید در خود به وجود آورند. این می‌تواند یک تغییر فرهنگی جدی در سبک زندگی مردم باشد. زندگی اشتراکی، در به اشتراک گذاشتن ابزار و وسایل نیست، بلکه در به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها و اصول هم است. برخی از اصول فرهنگی زندگی در خانه‌های اشتراکی به این شرح است:

۱) **احترام به تفاوت‌ها:** اعضای گروه باید به تفاوت‌های یکدیگر احترام بگذارند و درک کنند که هر فردی دیدگاه و نظرات خود را دارد.

۲) **مشارکت:** افراد باید در امور مختلف مانند نظافت، نگهداری فضاهای مشترک و... مشارکت کنند.

۳) **مذاکره:** در صورتی که بر سر یک مسئله اختلاف نظر وجود داشته باشد، افراد باید با هم مذاکره کنند تا به راه‌حلی مناسب برسند.

۴) **شفافیت:** اعضای گروه باید از موارد مالی و امور مهم خانه‌های گروهی با هم شفافیت داشته باشند.



۵. پذیرش مسئولیت: اعضای گروه باید در قبال امور خانه‌های گروهی، مانند مدیریت مالی، تعمیر و نگهداری و... مسئولیت پذیر باشند.

۶. حفظ حریم خصوصی: برای زندگی موفق در خانه‌های گروهی، احترام به حریم خصوصی و اختصاصی بودن فضای شخصی اعضای گروه بسیار مهم است.

۷. همکاری و حضور فعال: اعضای گروه باید در جلسات و مجامع خانه‌های گروهی حضور فعال و مؤثر داشته باشند.

۷-۵-۳. افزایش بروز کشش‌های معنوی جنسیتی و متناسب با فضای زنانه

عصر کنشگری حداکثری زنان و حضور مؤثر آنان در زمینه‌های مختلف در حال افزایش است. ظهور معنویت‌هایی که مبتنی بر جنسیت و در صدد تکثیر نگاه جنسیتی است نیز افزایش می‌یابد. عده‌ای از معنویت‌گرایان غربی این عصر را عصر آکوار یوس می‌نامند که در آن معنویت از طریق زنان دریافت و منتشر می‌شود.

۸-۵-۳. تجربه‌های معنوی با علوم شناختی و مداخلات ژنتیکی

جست‌وجوی معنایی پایدار برای زندگی از ضرورت‌های زندگی انسان‌های امروزی است. دیگر مثل سابق، معانی زندگی به صورت سنتی از نسل‌های قبل به نسل‌های بعدی منتقل نمی‌شود. ضرب شدن روندهای فناوری در روندهای حوزه زیستی امکان تأمین نیازهای زندگی را تسهیل نموده است. تجربه‌های معنوی، زمینه شکل‌گیری هویت معنوی افراد را مبتنی بر تعمیق و استمرار تجربه‌ها فراهم می‌نماید. استفاده از فناوری‌های جدید در علوم شناختی و زیستی، امکان تعمیق و استمرار تجربه معنوی را مهیا نموده، بر جهت‌دهی آنها تأثیر خواهد گذاشت. رشد فناوری‌های این چنینی ذائقه معنوی افراد را تغییر داده، قابل کنترل خواهد کرد.

۹-۵-۳. تجربه‌گرایی حداکثری

روند معنویت‌گرایی و معناجویی، از منابع معنا بخش غیر ملموس به منابع ملموس و قابل کنترل، باعث گرایش حداکثری به تجربه‌گرایی در معنویت می‌شود. تجربه‌ها تکرار پذیر و تنوع پذیرند و با ذائقه انسان امروز و فردا سازگاری بیشتری خواهند داشت. از طرفی، در گذشته معنای کشف شده برای زندگی پایداری و دوام بیشتری داشت و انسان‌ها تا مدتی مبتنی بر همان معنا به زیست فردی و اجتماعی خود می‌پرداختند و صرفاً تجربه‌های محدود جهت تعمیق معنای سابق به کار می‌رفته است. اما انسان عصر پیچیدگی‌های روزافزون، علاقه‌ای به معنای پایدار ندارد یا اینکه امکان حفظ معنا را به صورت پایدار نخواهد داشت؛ لذا به دنبال فرایندی برای تجربه‌های حداکثری است تا بتواند همچنان بستر معنا بخشی برای زندگی خود تأمین، و مبتنی بر آن مشغولیت‌ها و چالش‌های روزمره خود را توجیه کند.

۱۰-۵-۳. بی‌وطنی

تغییرات جمعیتی، با اشکال متفاوتی در حال ظهور است. شاید امروز مهم‌ترین مسئله نوپدید در حوزه جمعیت را تغییراتی بدانند که در هرم سنی جمعیت صورت خواهد گرفت. اما واقعیت این است که به دلیل وجود روندهایی در این زمینه، از جمله جهان محلی شدن، رشد فناوری‌های ارتباطی، کم‌رنگ شدن اهمیت به وطن و مرزهای جغرافیایی، مدل‌های جدید مهاجرت با هزینه کمتر، کم‌رنگ شدن گرایش‌های ایدئولوژیک و روابط خانوادگی زمینه‌ای را فراهم آورده است که افراد حاضر در یک کشور لزوماً نشان‌دهنده جمعیت فعال یا جمعیت متعلق به آن کشور نباشند. این امر باعث می‌شود پیامدهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی متعددی از این طریق متوجه کشور مورد نظر شود و ترکیب جمعیتی نامتوازن شکل بگیرد. این مسئله را می‌توان با عنوان بی‌وطنی یاد کرد که در آن افراد با وجود اینکه در یک مرز جغرافیایی مشخصی حضور دارند، هیچ تعلق به آنجا نخواهند داشت. با وجود روندهای موجود در عرصه فناوری و روندهای فرهنگی اجتماعی، این احتمال وجود خواهد داشت که افراد فارغ از جنسیت و محل زندگی خود بتوانند تابعیت حاکمیتی را بپذیرند و تمام نیازهای خود را ذیل ارتباطات مجازی با آن حکومت برآورده نمایند که تفاوتی نمی‌کند در کدام سوی دنیا باشند. در آن زمان تعداد کد ملی ثبت شده تناسبی با تعداد جمعیت کشورها نخواهد داشت و بسیاری از شاخص‌های سرشماری موجود خاصیت خود را از دست خواهند داد. اکنون تمام تمرکز نهادهای سیاستگذار صرف برطرف کردن موانع فرزندآوری و تشویق خانواده‌ها برای میل به تعداد فرزند بیشتر است که البته سیاست صحیحی به نظر می‌رسد. اما در کنار

این نگرش باید به حفظ افراد موجود هم توجه داشت. شاید بتوان با مثالی از یک شرکت تجاری این را مقایسه نمود که معاونت منابع انسانی در کنار برنامه ریزی برای جذب نیروهای مستعد جدید باید برنامه‌هایی نیز برای حفظ و ارتقای کارکنان وجود داشته باشد، وگرنه به محض اینکه شرکت دیگری حقوق و مزایای بالاتر و متمایزی بدهد، این نیروهای موجود که برایشان هزینه‌های سنگینی شده است کوچ خواهند کرد. این کوچ می‌تواند به صورت دسته‌جمعی و گروهی در برخی از گروه‌های اجتماعی رخ دهد که تبعات سنگین‌تری نیز خواهد داشت. تصویری که در آن ممکن است جمعیت ایران صد میلیون یا بیشتر باشد، اما جمعیتی که تعلق به ایران دارند، در سیستم آموزشی و تربیتی ایران رشد می‌کنند، مهارتشان را برای ارتقای ایران به کار می‌گیرند و شغل و کسب و کارشان را در این مملکت انتخاب می‌کنند، بعید نیست تفاوت بسیار فاحشی با آمار مورد انتظار داشته باشد. در واقع با جماعتی روبه‌رو خواهیم شد که هزینه‌هایشان حمل بر سیستم داخلی است و بهره‌هایشان برای کشورهای دیگر.

۱۱-۵-۳. ویژگی‌های نسل جدید آینده (نسل آلفا)

تحولات و ویژگی‌هایی نظیر ارتباطات دیجیتال، هوش مصنوعی، واقعیت افزوده، پاندمی فراگیر کرونا، نااطمینانی‌های فراگیر و... باعث شده است نسل جدید ویژگی‌های نوبی داشته باشند و از آنان با تعبیری همچون نسل زد، نسل متصل و نسل بومیان دیجیتال یاد کنند. همچنین نسل آلفا عنوانی است که برای متولدین دوازده سال گذشته تاکنون اطلاق می‌شود. براساس تاریخ میلادی، این نسل اولین نسلی است که در هزاره جدید با این حال در ایران با عبارت نسل دهه‌های ۱۳۸۰ یا ۱۳۹۰ تمایزها نشان داده می‌شود.

مسئله نسل جدید نوجوانی، مسئله‌ای دارای ابعاد میان‌رشته‌ای گسترده است: مصرف رسانه‌های اینترنتی، اوقات فراغت، ورود به فضای درآمدزایی و اشتغال‌های آزادکاری، مهاجرت و بی‌وطنی، آموزش آنلاین و جهانی و سلامت. به همین خاطر نگاه به این دوره فراتر از نگاه صرفاً آموزشی یا جامعه‌پذیری یا فراتر از نگاه تهدید امنیتی و اغتشاش، نیاز است تا به کمک نوجوانی بیاید و ظرفیت آن را در جهت ساخت آینده ایران قرار دهد. همان‌طور که در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰، جوانی یک مسئله فرهنگی ایران تلقی گردید و برای آن سیاستگذاری صورت گرفت.

۶-۳. مسائل مربوط به هویت و معنا

۱-۶-۳. حفاظت معنایی از میراث فرهنگی

بناهای میراث فرهنگی دارای دو بُعدند. در کنار بُعد فیزیکی و کالبدی بنا، بُعد معنایی و کارکردی آن هم هست. کیفیت‌های معنایی در میراث‌های فرهنگی، در ایجاد حس مکان و تعالی روح انسان نقش دارند. معنا و کارکردی که بازار قدیمی تبریز دارد، کسانی که در آن کار می‌کرده‌اند و حسی که در آن وجود داشته است، ابعادی از آن محسوب می‌شوند که چه‌بسا جالب‌تر و دیدنی‌تر از جنبه فیزیکی آن باشند و حتی شاید بتوان گفت، در آینده بیش از آنکه برای بقای هویتی خود نیاز به حفاظت از بناهای تاریخی و میراث‌های ملموس داشته باشیم (که قطعاً داریم)، نیاز به اتصال معنایی با هویت خود خواهیم داشت. با توجه به روند خلأ معنا در جوامع و نیاز گسترده به جست‌وجوی معنا، احتمالاً توجه به جنبه‌های معنایی میراث فرهنگی گسترش خواهد یافت. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شود اساساً گردشگری معنوی هم رشد بیشتری بیابد.

بی‌توجهی به معناهای نهفته، باعث از بین رفتن تدریجی میراث خواهد شد. ایران پر است از میراث فرهنگی که برای جهانیان می‌تواند بسیار ارزشمند باشد و سهم ارزش آن تا حد زیادی وابسته است به میزانی از معنا و حسی از مکان و فرهنگ که بتواند آثار میراثی ما منتقل کند. با توجه به روند توسعه شهرنشینی، در صورتی که توجه کافی به حفظ معنایی میراث صورت نگیرد، این سرمایه بزرگ آینده‌ای از دست خواهد رفت. اما حفاظت معنایی و کارکردی از میراث فرهنگی، نسبت به حفاظت فیزیکی تفاوت می‌کند. هرچه حفاظت فیزیکی به واسطه دور کردن مردم و جلوگیری از استفاده (مخرب) از میراث صورت می‌گیرد، حفاظت معنایی صرفاً با افزایش مشارکت مردم و گره خوردن با زندگی روزمره است که می‌تواند تحقق پیدا کند. به همین خاطر نیازمند سیاست‌های مستقلی است که بتواند با مشارکت دادن مردم در میراث، اقتصاد این امر را به چرخه درآورد و معنا را جریان ببخشد.



۲-۶-۳. پیوند اقتصاد محلی به میراث فرهنگی

از سویی می‌توان روندی به سمت محلی شدن را مشاهده نمود که بر اثر آن اقتصاد خرد و محلی نیز اهمیت مضاعفی خواهد یافت و همچنین تکیه به نیروهای محلی به جای نیروهای جهانی یا ملی در حل مسائل بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر می‌توان روندی از افزایش اهمیت میراث فرهنگی را مشاهده نمود که براساس آن میراث فرهنگی و سوابق هویت‌های محلی، به عنوان دستاویزی برای عامل معنا بخشی جدید و احیای هویت فرهنگی محل خواهند بود. فناوری‌های ارتباطات مجازی و از راه دور هم مانعی برای تمایل به تجربه و مشاهده میراث فرهنگی نیستند؛ بلکه حتی می‌توانند به رشد تمایل افراد به تجربه شخصی اصیل و بی واسطه حضور در یک مکان میراثی منجر شوند و به این واسطه گردشگری مجازی عامل و محرکی برای توسعه گردشگری حضوری شود؛ چرا که پلتفرم‌های مجازی گزینه‌های متنوع غیر مشهور و خاص پیش روی افراد می‌گذارند. در بازنمایی مجازی افراد در صفحات شخصی شبکه‌های اجتماعی شان، لوکیشن از اهمیت خاصی برخوردار است و روایت تجربه خاص از حضور در فضای ویژه و متفاوت، جلب دنبال کننده می‌کند. در «اقتصاد توجه» بازنمایی‌ها می‌تواند برای افراد درآمدزایی هم داشته باشد و پیوند گردشگری به درآمدزایی را هم ایجاد کند.

همه اینها در حالی است که میراث فرهنگی در حال عبور از یک گذار است؛ از یک رویکرد موزه‌ای که گردشگر با حفظ فاصله صرفاً به مشاهده می‌پردازد، به رویکردی که با هویت و معنای نهفته در پدیده میراثی درگیر می‌شود. در این رویکرد میراث صرفاً گذشته‌ای افتخار آمیز و تاریخی نیست، بلکه مفاهیمی برای جاری شدن در زندگی امروز و رقم زدن تحولی به سمت آینده است. در این رویکرد آنچه می‌تواند به خوبی در ایجاد و حفظ معنا نقش بازی کند، میراث فرهنگی است که با نیروهای محلی بهتر تحقق می‌یابد. به همین خاطر مسئله مهم آینده، پیوند اقتصاد محلی به میراث فرهنگی خواهد بود.

۳-۶-۳. چالش هویت‌های ملی

هویت ملی در کنار هویت دینی، طبقه‌ای و نژادی، یکی از انواع چهارگانه هویت است که در قرن اخیر رواج یافته است. هویت ملی بر عناصر یکپارچه ساز واحد سیاسی استوار است و مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت و الگوهای هویت بخش مشترک میان اعضای یک کشور است. باین حال، در دنیای امروز هویت‌های ملی با چالش‌های بسیاری مواجه‌اند. از سویی موج‌های جهانی شدن و فرهنگ جهانی همچنان ادامه دارند و مرزهای ملی را به چالش می‌کشند و مشترکات جهانی را تقویت می‌کنند. از سویی دیگر تغییرات جمعیتی و مهاجرت‌ها، تقید و پایبندی به یک هویت واحد ملی را کم رنگ می‌کند. فناوری‌های ارتباطات مجازی نیز یک پیش‌ران گسترده برای عبور از محدودیت‌های مرزهای ملی به سمت استفاده از سامانه‌های جهانی است.

هر چند تلاش‌هایی در دولت‌های مختلف دیده می‌شود که در صدد حفظ و تقویت توان حکمرانی‌های ملی‌اند، مانند تقویت پول‌های ملی، تقویت حکمرانی ملی بر شبکه‌های داده و اینترنت و تصویب برنامه‌ها و بودجه‌ها برای تقویت ارکان هویت فرهنگی ملی، باین حال چالش هویت‌های ملی، چالش مهمی در آینده خواهد بود. هویت ملی عامل رشد، بقا و امنیت یک کشور است و در صورتی که صدمه ببیند، مشکلات و پیامدهای زیادی خواهد داشت. تضعیف هویت ملی می‌تواند به عواقب جدی و نامطلوبی منجر شود. چنین امری می‌تواند باعث کاهش روحیه، تلاش و پایبندی فرد به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی کشور خود شود. افزایش بی تفاوتی، بی‌اعتمادی و افزایش فرصت‌های استفاده از این افراد توسط دیگر کشورها نیز می‌تواند در پی داشته باشد.

عواقب دیگری که ممکن است به دنبال ضعف هویت ملی باشد، شامل از دست دادن هویت فردی و گروهی، کاهش اعتماد به نفس، افزایش تنش‌های اجتماعی و فراموشی ارزش‌های فرهنگی و تاریخی است. هویت ملی، به عنوان یکی از عوامل اصلی قدرت و توانمندی کشور در سطح بین‌المللی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این، تضعیف هویت ملی نه تنها برای جامعه محلی، بلکه برای جامعه جهانی نیز تأثیرات منفی خواهد داشت؛ برای مثال می‌توان به اختلافات قومی و سیاسی، فقدان ارتباط و همبستگی درونی و افزایش تعارضات بین‌المللی اشاره کرد.

۷-۳. مسائل مربوط به فرهنگ و سواد

۷-۳-۱. سواد هوش مصنوعی برای عموم مردم

رشد سریع محصولات هوش مصنوعی، و به خصوص عرضه چت جی پی تی در سال گذشته نشان داد، هوش مصنوعی همان طور که پیش بینی می شد، نیروی بزرگ تغییر در آینده است. از زمانی که دسترسی عمومی به جی پی تی آغاز شده است تا امروز، هر روز اخبار جدیدی از کاربردها و اثرهای هوش مصنوعی در صدر اخبار جهان قرار می گیرد. براساس داده های نمودارهای گوگل ترند، هوش مصنوعی به اوج محبوبیت در جست و جویهای سطح جهان رسیده است. در عین حال خطرهای و تهدیداتی که می تواند توسط این فناوری برای زندگی بشر در زمین به وجود آورد، نیز دائماً در حال بحث و گفت و گو است. نگرانی های متعددی از سوی سیاستگذاران و حتی توسعه دهندگان هوش مصنوعی مطرح شده است که طیفی از موارد را در بر می گیرد؛ از مسائلی مانند از بین رفتن مشاغل یا حریم خصوصی انسان، تا ابهام گسترده میان انسان واقعی و هوش های ساختگی، تا سلاح های هوشمند و غیره؛ تا جایی که برخی هوش مصنوعی را نابود کننده حیات بشری و آخرین اختراع بشر تلقی کرده اند. در میان راه های مختلفی که برای مخاطرات و آسیب های ناشی از هوش مصنوعی پیشنهاد شده است، یکی از پایدارترین آنها افزایش سطح سواد و آگاهی در مورد هوش مصنوعی و افزایش مهارت های عمومی برای کاربرد و مواجهه با هوش مصنوعی است که می توان از آن با نام سواد هوش مصنوعی نام برد. سواد هوش مصنوعی اشاره به سطحی از آگاهی ها و مهارت ها دارد که به عنوان پایه شناخته می شوند و برای هر شخصی در اجتماع برای زیست بهتر و راحت تر، لازم و ضروری است. با داشتن سواد هوش مصنوعی، افراد می توانند به طور بهتری درک کنند که چگونه ماشین ها و سیستم های هوشمند کار می کنند و چطور می توانند از آنها بهره ببرند. به علاوه، سواد هوش مصنوعی به فرد کمک می کند تا بتواند در تصمیم گیری های مرتبط با استفاده از تکنولوژی های هوش مصنوعی، بهتر تصمیم بگیرد و در نتیجه، به صورت کلی در زندگی خود بهبود پیدا کند. سواد هوش مصنوعی صرفاً برای جلوگیری از تهدیدات نیست، بلکه برای رشد مهارت های اولیه ای است که هر کسی برای زندگی موفق در آینده مورد نیاز است.

تأکید بر سواد هوش مصنوعی به عنوان مسئله سیاستی آینده، مبتنی بر این نکته است که کشور برای مواجهه کارآمد و موفق در زمینه هوش مصنوعی نیازمند تجهیز عموم مردم برای مشارکت در این زمینه است. همان طور که تجربه مواجهه با فضای مجازی و شبکه های اجتماعی نشان داد، تا زمانی که کاربران این شبکه ها، مجهز به سواد رسانه ای استفاده از رسانه های مشارکتی در عصر اطلاعات نباشند، هم در معرض آسیب های ناشی از اطلاعات غلط هستند و هم توان تولید محتوای ایرانی و بومی را ندارند. در زمینه هوش مصنوعی لازم است نوعی پیش دستی صورت گیرد و با تأکید بر آگاهی و مشارکت عمومی بتوان در این زمینه موفق عمل کرد.

۷-۳-۲. اعتیاد به فناوری های جدید، بازی و هم کلامی با فناوری های جدید

به نظر می رسد که اعتیاد به اینترنت در حال افزایش است. با گسترش فناوری و تکنولوژی، دسترسی به اینترنت و دستگاه های هوشمند برای بسیاری از افراد آسان شده است. همچنین، شبکه های اجتماعی و برنامه های پیام رسان امکانات جذابی را برای کاربران خود فراهم کرده اند که می تواند باعث افزایش زمان صرف شده در اینترنت و در نتیجه افزایش احتمال ایجاد اعتیاد شود. البته این موضوع به میزان استفاده دقیق از اینترنت و اهدافی که با آن دنبال می شوند، نیز بستگی دارد. برخی آمارها نشان می دهد که اعتیاد به اینترنت در حال افزایش است. برای مثال، یک گزارش از سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۸ نشان داد که حدود ۳.۲ درصد از جمعیت جهان (بیش از ۲۳۰ میلیون نفر) به اعتیاد به اینترنت دچارند. البته باید توجه داشت که تعریف اعتیاد و روش اندازه گیری آن در این حوزه هنوز یک فضای بحث و جدال پیش رو دارد و به دلیل پیچیدگی این مسئله، دقت آماری در این زمینه همواره مورد بحث است. با این حال سازمان بهداشت جهانی اعتیاد به اینترنت را یکی از اختلالات سلامت در فهرست طبقه بندی بین المللی آماری بیماری ها «آی سی دی-۱۱»^۱ قرار داده است.

1. ICD-11

چین به عنوان کشوری که از رتبه‌های بالای اعتیاد به اینترنت در میان کودکان و نوجوانان برخوردار است، از سال ۲۰۱۹ اقدامات سخت‌گیرانه خود را برای جلوگیری از معتاد شدن کودکان این کشور به محتوای آنلاین مختلف به صورت جدی آغاز کرد. به گزارش روزنامه تعادل در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ قانونگذاران این کشور به بازنگری در قوانین این حوزه رأی دادند و از ارائه‌دهندگان خدمات آنلاین خواستند محدودیت‌هایی برای زمان و مصرف افراد زیر سن قانونی از اینترنت تعیین کنند. براساس گزارش خبرگزاری شین‌هوا، قانونگذاران ارشد چینی در تاریخ یاد شده به اصلاح قوانین موجود در راستای ممنوعیت استفاده از خدمات و محصولات اینترنتی که باعث بروز اعتیاد در بین کودکان می‌شود، رأی مثبت دادند. بازنگری یاد شده، پس از طی کردن فرایند بررسی، سرانجام در تاریخ ۱ ژوئن سال ۲۰۲۱ به تصویب و اجرای قانون اصلاح شده جلوگیری از اعتیاد اینترنتی چین، منتج شد. این بازنگری شامل فصل جدیدی در مورد حفاظت از فضای سایبری به منظور روشن شدن مسئولیت‌های هر نهاد است. براساس یکی از مفاد این قانون، والدین موظف شدند که نرم‌افزاری را روی تلفن‌های همراه یا رایانه‌ها نصب کنند تا از کودکان در برابر محتوای مضر آنلاین محافظت و زمان استفاده آنها از اینترنت را کنترل کنند. حدود چهار ماه پس از اتمام بازنگری، خبرگزاری شین‌هوا، در تاریخ ۱ سپتامبر سال ۲۰۲۱، خبر از اجرای قانون جدیدی در حوزه مبارزه با اعتیاد کودکان به اینترنت داد. براساس قانون جدید، ارائه‌دهندگان بازی‌های آنلاین فقط می‌توانند روزهای جمعه، شنبه، یکشنبه و تعطیلات رسمی، از ساعت ۸ بعدازظهر تا ۹ شب به خردسالان خدمات یک‌ساعته ارائه دهند. علاوه بر این، ثبت‌نام و ورود کاربران به سیستم بازی‌های آنلاین، صرفاً از طریق هویت حقیقی افراد میسر است.

بازی‌های کامپیوتری و آنلاین جنبه جدیدتری از اعتیاد را نشان می‌دهند که به خصوص با ورود نسل جدید به سنین بزرگسالی و ادامه عادت‌های بازی کردن آنها باعث می‌شود آسیب‌های جدی‌تری از وابستگی به رایانه‌ها ایجاد شود که آنها را از فرایندهای طبیعی رشد، موفقیت و ارتباطات اجتماعی باز می‌دارد.

همچنین با رشد سیستم‌های گفت‌وگوهای هوشمند، هم‌کلامی با هوش مصنوعی و رفاقت با آن می‌تواند آسیب جدی پیش‌رو باشد که چه بسا اعتیادی شدیدتر و عمیق‌تری را نیز رقم بزند. آیا هوش مصنوعی می‌تواند به گونه‌ای تنظیم شود که خودش از آسیب به انسان‌ها در قالب اعتیاد جلوگیری کند؟

۳-۷-۳. سواد معنویت به عنوان ضرورت زیست‌نو

مشغولیت‌های متعدد و ابهام در موقعیت‌های مختلف زندگی از جمله تغییرات رخ داده در سبک زندگی امروز است. پیچیدگی‌های روزافزون، ابعاد مختلف زندگی را به هم گره زده است. این تغییرات موجب شده است معناپذیری زندگی در این برهه زمانی، از طریق نمادها و الگوهای سابق صورت نگیرد. همچنین میزان پایداری معانی پذیرفته شده توسط افراد برای زندگی بسیار ناچیز، و دائماً نیاز به تجدید معنا و جست‌وجوی معنای جدید است. از همین رو مسائل متعددی در عرصه زیست فردی و اجتماعی افراد و جوامع به وجود می‌آید که نیاز به کسب مهارت جدید و دانشی نو را ضروری می‌سازد. سواد معنویت امکان مجهز شدن به توانایی‌های جهت‌کشف و استمرار معنای زندگی را در عصر جدید فراهم می‌کند و از طرفی مانع بحران هویت و معنا خواهد شد.

۳-۷-۴. قوانین حفظ حریم خصوصی افراد در برابر شرکت‌ها و هوش مصنوعی

کلان داده‌ها، موتور محرک هوش مصنوعی هستند. در این عصر داده‌ها حکم طلا را دارند. همه شرکت‌ها و سامانه‌ها به دنبال به دست آوردن بیشتر اطلاعات و داده‌ها از زندگی کاربران هستند تا بتوانند تغذیه‌ای برای محاسبات هوشمند خود تأمین کنند. اما سامانه‌ها در چه حدی می‌توانند اطلاعات را ذخیره‌سازی کنند؟ مالکیت آنها متعلق به کیست؟ منابع و درآمدهای آنها به چه کسی می‌رسد؟ چه استفاده‌هایی از آنها مجاز است؟ چگونه تضمین می‌شود که برخلاف مصالح فرد یا حتی قوم یا ملیتی استفاده نشود؟ و... به طور کلی حریم خصوصی از مسئله‌های مهم آینده است. هر چند به طرق مختلف حریم خصوصی نقض می‌شود و فناوری‌های نوین نیز در سبقت گرفتن از یکدیگرند، برای نقض این حریم و شاید دیگر معنایی برای آن تا چند سال آینده وجود نخواهد داشت؛ با این حال دغدغه هم خواهد بود.

۵-۷-۳. اخبار جعلی

پدیده «اخبار جعلی» را نمی‌توان پدیده‌ای کاملاً جدید دانست. در همه تاریخ اخبار و روایت‌های دروغ وجود داشته است که حتی شاید شیوع پیدا می‌کرده‌اند. با این حال نمی‌توان انکار کرد که اینترنت فرصت‌های گسترده جدیدی را برای گسترش اخبار جعلی ایجاد کرده است و نقش رسانه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر این تأثیر را بیشتر هم کرده است. وضعیت فعلی نشر اطلاعات و اخبار در میان مردم به گونه‌ای شده است که حتی گاهی سرعت انتشار اخبار جعلی بیش از واقعیت‌هاست و تشخیص اخبار و اطلاعات صحیح و غیر صحیح مشکل می‌شود، به خصوص اینکه بخواهد این تشخیص به موقع و در نزدیک‌ترین زمان رخ دادن وقایع باشد.

وضعیت آینده اخبار جعلی می‌تواند به مراتب پیچیده‌تر از زمان حال هم باشد. فناوری‌های متعددی که برای ویرایش محتوای صوتی و فیلم پدید می‌آیند، امکان ایجاد انواع محتواهای ساختگی را فراهم می‌کنند؛ به گونه‌ای که تشخیص آنها به شدت مشکل است. اخبار جعلی با روند رشد دیجیتالی شدن سازگار است و قالب‌های جدیدی را به دست می‌آورد [۱۶].

هوش مصنوعی در کمترین زمان ممکن، یک عکس را از شخص در هر موقعیتی می‌تواند بسازد و حتی فیلم او را در حال انجام کارهایی که نکرده و سخنانی که نگفته است، تدوین کند و نمایش دهد. حتی می‌توان حدس زد که به زودی این فناوری می‌تواند در لحظه این کار را انجام دهد؛ بنابراین نمایش زنده‌ای از اخبار جعلی هم ممکن می‌شود. این در صورتی است که برای تعیین اثبات جعلی بودن، راهکارهایی پیشنهاد می‌شود که معمولاً زمان‌برند. سرعت فناوری‌های جعلی‌سازی، از سرعت فناوری‌ها و راهکارهای تشخیص جعلی‌ها پیشی گرفته است. در آینده خوانندگان هر محتوایی را که می‌بینند و می‌شوند، زیر سؤال ببرند.

از طرف دیگر هزینه‌های ساخت اخبار جعلی در حال کاهش است. بدون نیاز به تخصص‌های پیچیده یا سیستم‌های سطح بالا، می‌توان دست به جعل اخبار زد. به همین دلیل تعداد آنها می‌تواند به طور فزاینده‌ای افزایش پیدا کند و هر کدام هم متفاوت از دیگری باشند. اخبار جعلی به طور فزاینده‌ای پیچیده می‌شوند. آیا دوری از اخبار جعلی و مبارزه با آن مطالبه خواهد بود؟ آیا ممکن است افراد از اخبار جعلی لذت ببرند و حتی عمداً اخبار جعلی بخوانند؟

۸-۳. مسائل مربوط به ابزارها و فناوری‌های اجتماعی

۱-۸-۳. دیجیتالی شدن هویت

گسترش ارتباطات مجازی و انتقال بخش قابل توجهی از فعالیت‌های روزمره افراد در این فضا موجب شده است نقش فعالیت‌های افراد در شبکه‌های اجتماعی و فضای دیجیتال در شکل‌دهی به بازنمایی هویت آنها به شکل گسترده‌ای افزایش یابد؛ تا جایی که حتی گاهی هویت شکل گرفته در فضای دیجیتال برای آنها مهم‌تر از بازنمایی‌های هویت آنها در فضاهای فیزیکی است. از جوانانی که با حتی با هزینه‌های گزاف، عکس پروفایل خود را تهیه می‌کنند، تا سیاستمداران که تریبون اصلی سخنان آنان، صفحه آنان در شبکه‌های اجتماعی است. در این دوران طبیعی است که برندینگ شخصی، حرف اول را در هویت‌یابی اجتماعی می‌زند. عصر اطلاعات هویت اینترنتی را گسترش داد. ولی با گسترش عصر وب ۲ و مشارکتی شدن فضای وب، تولید محتوا نیز به عناصر اصلی سازنده شخصیت تبدیل شده و افراد به وسیله اینکه چه محتوایی را تولید، و چه گروه‌ها و افرادی را دنبال کنند، هویت خود را می‌سازند. شناخت فرد توسط مرور پست‌ها و نظرهایی که از او ثبت شده است و با مرور دنبال‌کنندگان و دنبال‌شوندگانش صورت می‌گیرد. با پررنگ‌تر شدن نقش زیست مجازی در زندگی انسان‌ها، شاکله وجودی افراد تحت تأثیر قرار گرفته و تحولات هویتی در اثر آن ایجاد خواهد شد. روند تحول در هویت که متأثر از گسترش فضای سایبر رخ داده تا به اینجا کشیده شده است که هویت دیجیتال در فضای حقیقی و زیست طبیعی آنان نیز مؤثر واقع می‌شود و سبک زندگی آنها را در همه ابعاد تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اما این تحول در هویت به اینجا ختم نشده و دیجیتالی شدن هویت با سرعت بیشتر، به ساخت جدید هویت می‌پردازد. با ورود هوشمندی



مصنوعی، اقدامات متعددی از ما می‌تواند به کمک دستیاران هوشمند انجام گیرد. این دستیاران در عین حال که جزئی از هویت ما هستند، هویت‌های مستقلی هم هستند. هویت‌های جعلی متعدد ساخته می‌شوند. در کنار هویت‌های جعلی، هویت‌هایی که مستند به انسان هستند، ولی با هوش ماشینی هدایت می‌شوند، رشد می‌کنند. آنها در حقیقت ترکیبی هستند، ولی می‌توانند جزء مهمی از هویت هر انسان تلقی شوند. قانونگذاری و تعیین حدود و ثغور فعالیت‌هایی که به نابسامانی هویت منجر شود، باید در دستور کار قرار گیرد.

۲-۸-۳. سیستم تخصیص اعتبار اجتماعی افراد بر اساس رفتارهای اجتماعی رصد شده

سیستم‌های تخصیص اعتبار اجتماعی بر اساس رصد و ثبت رفتارهای اجتماعی افراد استوارند. این سیستم‌ها به منظور ارزیابی عملکرد اجتماعی فرد در جامعه و اعطای امتیازات مثبت یا منفی برای رفتارهای اجتماعی آن فرد طراحی شده‌اند. این سیستم‌ها با استفاده از تکنولوژی‌هایی مانند شبکه‌های اجتماعی، دستگاه‌های ردیابی حرکت و صدا و دیگر سیستم‌های رصدی به رصد رفتارهای اجتماعی افراد می‌پردازند. سپس با تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، به هر فرد یک امتیاز اعتبار اجتماعی نسبت داده می‌شود که می‌تواند به عنوان یکی از فاکتورهای ارزیابی شخصیت و عملکرد افراد مورد استفاده قرار گیرد.

ایده سیستم‌های اعتبار اجتماعی عمدتاً از سوی دولت‌های حاکم داده می‌شود و برای اینکه بتواند به شکلی جامع رصد و تخصیص اعتبار دهد، لازم می‌آید که یک دولت مقتدر آنها را به دست گیرد. از این رو باینکه سیستم‌های اجتماعی می‌تواند زمینه را برای ایجاد شفافیت و نظارت بیشتر در جامعه فراهم می‌کند؛ باین حال مورد بحث جدی و انتقادات فراوان هستند. شورای دولتی چین یک نقشه راه را در سال ۲۰۱۴ برای ایجاد یک سیستم گسترده اعتبار اجتماعی منتشر کرد که بتواند تا پیش از سال ۲۰۲۰ سیستم «اعتبار اجتماعی» دور از دسترس را پایه‌گذاری کند. باین حال مفهوم اعتبار اجتماعی^۱ در مدارک دولتی چین تعریف نشده است و در حال حاضر یک سیستم واحد برای ارزیابی و امتیازدهی در چین هنوز به عنوان یک موضوع عملیاتی به حساب نمی‌آید.

ایده سیستم اعتبار اجتماعی مبتنی بر تجمیع امتیازات شخص از رفتارهای اجتماعی متنوع او است که شامل امتیاز اعتباری بانکی شخص می‌شود و علاوه بر سنجه‌های مالی، کنش‌های اجتماعی شهروندان را نیز شامل می‌شود. ایده اصلی سیستم اعتبار اجتماعی این است که حکمرانان می‌تواند از امتیاز اعتبار اجتماعی به منظور مهندسی رفتار خوب مردم استفاده کند. شخصی که از اعتبار اجتماعی بالا برخوردار می‌شود، می‌تواند از این اعتبار برای دریافت تسهیلات و یا استخدام یا گرفتن برخی تخفیف‌ها استفاده کند و در مقابل کسی که افت جدی در اعتبار داشته باشد از برخی خدمات محروم یا محدود شود و به این واسطه با یک تنبیه غیر قضایی مواجه شود. سیستم اعتبار اجتماعی کاربردهای زیادی می‌تواند داشته باشد؛ از قبیل: رهگیری و ردیابی جامعه در مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، استخدام، اعطای وام، اجاره مسکن (صاحبان ملک‌ها ممکن است برای اجاره مسکن به افراد با امتیاز اعتبار اجتماعی بالاتر، تخفیف اجاره اعطای کنند)، استفاده رایگان از خدمات و امکانات دولتی، تشویق به قانونمندی بیشتر مردم، اعمال محدودیت برای متمردان اجتماعی، کنترل آسیب‌های اجتماعی و مدیریت اجتماعی.

علاوه بر ایده سیستم‌ها اعتبار اجتماعی یکپارچه ملی که یک ایده بلندپروازانه دولت‌هاست و تاکنون تحقق پیدا نکرده، نوع دیگری از اعتبارات اجتماعی هم ممکن است توسط شرکت‌های بین‌المللی فناوری اطلاعات شکل بگیرد که با همگرا کردن اطلاعات افراد دست به تخصیص و معرفی یک نمره اعتباری برای شخص بزنند که بتواند معرفی او و موجب اعتماد به او بشود. فرض کنید شرکتی مانند اسنپ، امتیازی را که به رانندگان می‌دهد با امتیاز شخص در بازپرداخت اقساط دیجی کالا و نمرات تعهد اخلاقی شخص در صفحه اختصاصی او در دیوار و چند سایت دیگر، با یکدیگر ادغام کند. در این صورت یک نمره واحد به وجود می‌آید که به دست آوردن آن نیاز به رفتارهای خاص در طول زمان نسبتاً بلند است. همین اتفاق در پلتفرم‌های خدمات دیجیتال جهانی نیز ممکن است رخ دهد و یک سیستم اعتبار اجتماعی سبک‌تری را شکل دهد که غیررسمی و غیرحاکمیتی است، ولی می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. این مسئله می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای داشته باشد و ابعاد ویژه‌ای از

1. Shehui Xinyong

مسائل و مباحث سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را پدید آورد که نیازمند تفکر و برنامه‌ریزی است.

۳-۸-۳. قل‌های دیجیتال افراد و محصولات به واسطه فناوری «ان اف تی»^۱

«ان اف تی» یا توکن‌های رمزنگاری شده غیر قابل تعویض، هویت‌های دیجیتالی‌اند که برای محصولات فرهنگی و غیر فرهنگی به وجود می‌آیند و آنها را قابل مبادله می‌کنند و مالکیت آنها را در فضایی رمزنگاری شده تثبیت می‌کند. بسیاری از اشیاء و محصولات فرهنگی تبدیل به ان اف تی شده‌اند، و بسیاری دیگر از آنها هم تبدیل خواهند شد. این مسئله می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای داشته باشد، از سویی مالکیت معنوی و فکری را بازسازی می‌کند و راهی جدید برای آن ایجاد می‌کند که هم می‌تواند ضمانتی باشد برای حفظ مالکیت معنوی و هم می‌تواند طیف گسترده‌ای از محصولات را زیر چتر خود از مالکیت معنوی آنها حمایت کند. از سویی دیگر این پدیده می‌تواند بازار فرهنگی را متحول کند؛ فروش مستقیم کالای فرهنگی به مخاطب را بدون وساطت شرکت‌های فرهنگی میسر نماید و روحی تازه در رونق تبادلات کالاهای فرهنگی و هنری ایجاد کند. همچنین پیامدهای گسترده دیگری نیز ممکن است داشته باشد که نیازمند بررسی، سیاست‌گذاری یا حتی تقنین است.

۳-۸-۴. شخصی‌سازی

شخصی‌سازی را باید روندی کلان دانست که علاوه بر عرصه‌های اقتصادی و سیاسی، تأثیر گسترده‌ای هم در موضوعات و مسائل اجتماعی و فرهنگی دارد. ریشه‌های مختلفی را می‌توان برای شخصی‌شدن برشمرد. فناوری‌های ارتباطی جدید، امکان شخصی‌سازی محتوا را برای افراد فراهم می‌کنند. افراد به جای اینکه در برابر تعداد محدودی از شبکه‌های تلویزیونی قرار گیرند، از میان انبوهی از شبکه‌ها، دست به انتخاب می‌زنند و محتوای مورد علاقه و متناسب با خود را تماشا می‌کنند. هر شخص سببی از محتوایی را که به او می‌رسد از میان قالب‌های رسانه‌ای مختلف انتخاب و مصرف می‌کند. روند شخصی‌سازی به معنای تنظیم و تطبیق محتوا و تجربه کاربری با نیازها، علاقه‌ها و خصوصیات شخصی هر فرد است. در حال حاضر، شخصی‌سازی در بسیاری از صنایع و بخش‌های مختلف استفاده می‌شود؛ از جمله صنعت فروشگاهی آنلاین، رسانه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های آموزشی و غیره. آموزش نیز به سمت شخصی‌تر شدن در حال پیش رفتن است. شخصی‌سازی آموزش به معنای ارائه محتوای منحصر به فرد برای هر شخص مبتنی بر نیازهای خاص، توانایی‌ها و ذخیره دانشی اوست.

در زمینه تولید کالا نیز تقاضا برای کالاهای شخصی شده در حال افزایش است. یکی از عرصه‌های مهم رشد شخصی‌سازی، پزشکی و صنعت دارو است. داروهای شخصی‌سازی شده متناسب با ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد مصرف‌کننده، میزان دوز دارو را تعیین می‌کنند. همین‌طور در زمینه واکسن، چشم‌انداز واکسن‌های شخصی به‌طور جدی مطرح شده است.

در عرصه فرهنگ و ارتباطات، نقش هوش مصنوعی در توسعه فرهنگ شخصی قابل توجه است. تولیدات هنری که توسط هوش مصنوعی می‌تواند تهیه شود، قابلیت شخصی‌سازی نسبت به هر شخص را خواهند داشت. یک قطعه موسیقی خاص و ویژه برای فرد توسط ماشین ساخته می‌شود و داستان یک سریال تلویزیونی مبتنی بر ذائقه فردی پیش می‌رود. در یک بازی کامپیوتری صحنه‌پردازی‌های بازی برای هر شخص متفاوت خواهد بود و داستان بازی نیز کاملاً شخصی می‌شود. روند شخصی‌سازی ادامه خواهد داشت. ما در آینده با دنیایی شخصی شده مواجه خواهیم بود. فرهنگ، هنر، ادبیات و مصرف فرهنگی ما شخصی و ویژه‌تر خواهد شد.

۳-۹. مسائل مربوط به گروه‌های مرجع اجتماعی

۳-۹-۱. سلبریتی هوشمند مصنوعی

هوش مصنوعی صرفاً امکانات گفت‌وگویی ارائه نمی‌دهد، او به زودی امکانی را فراهم می‌کند که شخصیت‌های مصنوعی خلق شوند. الزامات شخصیت مصنوعی توسط هوش مصنوعی شاید خلق نشود و دخالت‌های انسانی هم در آن وجود داشته باشد، ولی به کمک هوش مصنوعی

1. Non-Fungible Token



خواهد بود. این سلبریتی‌ها، با تحلیل رفتارهای تعداد زیادی از سلبریتی‌ها و رصد عواملی که می‌تواند تعداد زیادی از مردم را جذب کند، الگوی رفتاری سلبریتی را به دست می‌آورند و شبیه‌سازی می‌کنند. همان‌طور که در سلبریتی‌های انسانی، تعدادی از آنها موفق می‌شوند و تعدادی ناموفق، از میان تلاش‌های ماشینی برای سلبریتی شدن هم برخی موفق خواهند شد و خواهند توانست جلب نظر تعدادی از مردم را داشته باشند. این یک گروه مرجع اجتماعی جدید را شکل خواهد داد که می‌تواند مسئله‌های زیادی را تولید کند. معنای اخلاق و قواعد اخلاقی برای این شخصیت‌ها چه خواهد بود؟ ویژگی‌ها، ضریب نفوذ و پیامدهای فرهنگی این پدیده همچنان ناشناخته است.

یکی دیگر از جلوه‌های هوشمندی در فضای سلبریتی، تکثیر ماشینی سلبریتی‌های انسانی است. شخصیتی محبوب مانند بازیگر یا فوتبالیست را فرض کنید که تعداد زیادی از مردم شاید علاقه‌مند به صحبت با او باشند. اگر الگوی رفتاری و زبانی این فرد استخراج شود و توسط هوش مصنوعی بازتولید گردد، او می‌تواند با تعداد زیادی از مردم به‌طور هم‌زمان سخن بگوید. در این صورت مالکیت و حق استفاده از شبیه‌سازی شده فرد متعلق به چه کسی خواهد بود؟ خودش یا کسی که داده‌های او را جمع‌آوری و شبیه‌سازی کرده است؟

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



با توجه به موضوعات نوظهور در زمان شکل‌گیری، بستر فرصت حداکثری برای جهت‌دهی و تعامل صحیح با موضوع را فراهم می‌کند و قبل از تبدیل شدن موضوع به مسئله‌ای پیچیده و غیرقابل کنترل، دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده را به اخذ تصمیمات پیش‌دستانه در آن مورد وادار می‌نماید.

منظور از موضوعات نوپدید، آن دسته از موضوعاتی هستند که این ظرفیت را دارند تا به جریان‌ها و روندهای بزرگ و اثرگذاری در آینده تبدیل شوند. درک صحیح موضوعات نوپدید نیازمند رصد آینده‌نگرانه است؛ رصدی که به پویای تحولات بپردازد و با پایش مستمر آنها بتواند علائمی را که نشان‌دهنده مسئله‌های نو هستند نمایان سازد.

موضوعات نوپدید به مثابه بذرهایی از تغییرند که در حال جوانه زدن‌اند. چه بسا به‌زودی تبدیل به گیاهی بزرگ و تنومند شوند که مدیریت و مهار کردن آنها دیگر کاری بس دشوار خواهد بود. ما با رصد بذرهایی تغییر و موضوعات نوظهور و تحلیل نقش آن در روندهای تحول آینده از هم‌اکنون می‌توانیم نسبت به استفاده مناسب از آنها یا مهارشان برنامه‌ریزی لازم را انجام دهیم.

در این گزارش تلاش شده است تا براساس داده‌های جمع‌آوری شده در رویداد ملی نوآیند، مسائل نوپدید حوزه فرهنگی اجتماعی احصا و دسته‌بندی گردد. هر کدام از مسائل تشریح شده از طریق نشانه‌های ضعیفی که با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی دریافت می‌شده است، شناسایی شده‌اند. این مسائل می‌تواند دامنه وسیعی از مسائل دیگری را در پی داشته باشد و پیامدهای گسترده‌ای را به بار آورد؛ لذا هر کدام از مسائل نیازمند مطالعه و بررسی‌های عمیق‌تری در قالب گزارش‌های مستقل است.

دسته‌بندی‌های صورت گرفته از مسائل در قالب ۹ عنوان بیان شده‌اند. این عناوین به جهت ایجاد فهم شبکه‌ای و برقراری ارتباط بین مسائل مختلف انجام شده است. با توجه به عناوین دسته‌های مختلف مسائل می‌توان بخش‌هایی از حوزه فرهنگی اجتماعی را که در معرض تغییر و تحولات گسترده‌تری قرار دارد شناسایی نمود و میزانی از سیاست‌گذاری‌های فرهنگی اجتماعی صورت گرفته را به این بخش‌ها سوق داد. در واقع شناسایی و دسته‌بندی مسائل نوپدید در آرایش سیاست‌های فرهنگی اجتماعی کمک شایانی کرده، میزان اثر آنها را در بلندافزایش خواهد داد. توجه به مسائل نوپدید میزان غافل‌گیری در عرصه‌های مختلف را به میزان قابل توجهی کاهش داده و ما را قادر به حرکت در مسیر آینده مطلوب و کاهش مخاطرات پیش‌رو خواهد کرد.

باتوجه به مسائل بیان شده در گزارش می‌توان پیشنهادهای ذیل را ارائه کرد:

۴-۱. پذیرش تغییرات آینده و مواجهه اصولی با آن

از جمله مهم‌ترین اقداماتی که می‌توان برای سیاستگذاری صحیح در این عرصه ارائه نمود، ایجاد آمادگی ذهنی در سیاستگذار قبل از ورود به فرایند سیاستگذاری است. اگر ذهنیت سیاستگذار از وضعیت فرهنگی اجتماعی، مبتنی بر چالش‌ها و مسائل گذشته یا حتی حال شکل گرفته باشد، امکان تنظیم‌گری مؤثری نخواهد داشت و زمین بازی و جولان را برای مسائل آینده فراهم خواهد نمود. این امر سبب می‌شود تا با استفاده از زمان به وجود آمده و مشغول شدن حداکثری سیاستگذار با بحران‌های حال و گذشته، نشانه‌های ضعیف شناسایی شده رشد کنند و با قوت روزافزون به بحران‌های پیچیده‌ای در آینده تبدیل شوند؛ لذا آمادگی ذهنی و چرخش بینش و توجه تام از مسائل حال و گذشته، به مسائل و موضوعات آینده برای افرادی که تصمیمات سیاستی کلان اتخاذ می‌نمایند ضروری است. چرخش‌های ذهنی با فراهم کردن زمینه تمرکز بر مسائل آینده، این امکان را فراهم می‌نماید که با توجه به تغییرات آینده سیاستگذاری‌های لازم صورت گیرد.

یکی از موانع مهمی که باعث می‌شود پرداختن به مسائل آینده در دستور کار سیاستی قرار نگیرد، فقدان دانش نظری و داده‌ها و اطلاعات کافی در موضوع نوپدید است. موضوعات نوپدید به جهت ماهیت جدید بودن آنها، فرصت جمع‌آوری داده‌های کافی در آنها و شکل‌گیری صورت‌بندی نظری و بسط نظریه‌ها به وجود نیامده است. با این حال فقدان دانش و آمار، نباید مانع از رسیدگی به مسائل نوپدید فرهنگی اجتماعی گردد.

۴-۲. رصد مسائل نوپدید آینده

سرعت تغییر و تحولات صورت گرفته در موضوعات، امکان تصمیمات پایدار را مختل نموده است. برای حل چنین اختلالاتی، استقرار سامانه‌های رصدی از ضرورت‌های نظامات تصمیم‌گیری در دنیای امروز است. اغلب سامانه‌های رصدی به پایش وضعیت موجود می‌پردازند که در جای خود لازم و ضروری است؛ اما آنچه می‌تواند به ایجاد تصمیمات مؤثر کمک شایانی نماید، سامانه‌های رصد آینده است. رصد مسائل نوپدید نیز می‌تواند بخش مهمی از سامانه‌های رصد آینده باشد.

برای شناسایی مسائل نوپدید و فهم تغییرات صورت گرفته در عرصه فرهنگی اجتماعی، برقراری سازوکاری جهت رصد مسائل نوپدید به صورت مستمر مورد نیاز است. این سیستم قادر خواهد بود تا با دریافت سیگنال‌های ضعیف، به رصد و شناسایی مسائل نوپدید بپردازد و امکان تحلیل دقیق و مبتنی بر روندهای تغییر را فراهم نماید. هر چند در کشور سامانه‌های رصد فرهنگی وجود دارد، تمرکز رصد بر شناسایی سیگنال ضعیف و علائم تغییر برای مواجهه با آینده ضرورت دارد.

۴-۳. اختصاص ۲۰ درصد از توان سیاستگذاری به مسائل نوپدید آینده

یکی از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند به حرکت نظام قانونگذاری در مسیر آینده‌نگری مؤثر باشد، اختصاص بخشی از توان مجلس شورای اسلامی به مسائل نوپدید آینده است. در نگاه اول به نظر می‌رسد توجه به مسائل نوپدید آینده باعث غفلت از مسائل جاری مهم و چالش‌های کنونی خواهد شد که بخش اعظمی از نظام حکمرانی کشور را درگیر خود نموده است. اما می‌توان ادعا نمود با تمرکز و توجه به مسائل نوپدید آینده نه تنها چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد، بلکه احتمال دارد در مواردی زمینه حل مسائل امروز و چالش‌های پیچیده کشور نیز فراهم گردد. دلیل این امر ایجاد زمینه نوآوری و خلاقیت در حل مسائل سیاستی و نوعی پیش‌نگری نسبت به مسائل امروز است. در واقع زمانی که توجه قانونگذار به مسائل آینده معطوف می‌گردد، اولاً تلاش می‌نماید با نوعی از خلاقیت و استفاده از ابزارهای غیرمعارف امروز که عدم کارایی آنها محرز شده است، به سراغ مسائل نوپدید برود؛ ثانیاً زمانی که برای مواجهه با مسئله در اختیار دارد بسیار بیشتر از زمان مواجهه با مسائلی است که اکنون درگیر آن هستیم و این امر نوعی فرصت‌محوری را در نگاه سیاستگذار حاکم می‌نماید و رویکرد وی را نسبت به فرایند سیاستگذاری متأثر می‌کند؛ ثالثاً مسائل نوپدید آینده غالباً با تأثیر از مسائل و بحران‌های پدیده آمده از گذشته و اکنون به وجود آمده‌اند و در واقع صورت‌بندی جدیدی از مسائل امروز در شرایط زمانی و اجتماعی متفاوت هستند، لذا تلاش برای سیاستگذاری جهت مواجهه صحیح با آن مسائل می‌تواند

به شناخت دقیق و عمیق‌تر از مسائل امروزی نیز منجر شود؛ با این استدلال می‌توان ارزشمندی اختصاص بخشی از توان سیاستگذاری کشور را به مسائل نوپدید آینده توجیه کرد.

براساس پیشنهادهای ارائه شده، می‌توان ضرورت ورود جدی نظام قانونگذاری کشور به مسائل نوپدید آینده را درک و رصد کرد و تحلیل و تنظیم‌گری در این عرصه را برای ایجاد آینده‌ای امیدبخش حیاتی قلمداد نمود. امید است با درک ضرورت بیان شده فرصتی برای طراحی و استقرار فرایندهای لازم جهت چرخش عملکردی در نظام قانونگذاری کشور فراهم گردد.

منابع و مأخذ

- [۱] حاجیانی، ابراهیم. مبانی، مفهوم و ارکان رصد فرهنگی، ۱۴۰۰، مرکز رصد فرهنگی کشور.
- [۲] توکلی، غلامرضا، اعظم بابکی راد و حسن قرونه. «طراحی و توسعه روش تحلیل موضوعات نوظهور»، ۱۴۰۳، نشریه امنیت پژوهی.
- [3] Dator, J. Emerging issues analysis: because of Graham Molitor, SAGE Publications Sage CA: Los Angeles, 2018: pp. 5-10.
- [۴] قرونه، حسن، اعظم بابکی راد، علیرضا نصر اصفهانی. نقش موضوعات نوظهور در حکمرانی آینده نگر (نوآیند)، ۱۴۰۱. مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۸۷۷۹.
- [۵] ازوجی، علاءالدین، علیرضا امینی، حمیده امامی و لیلا مؤمنی. جوانانی که دیده نمی‌شوند، معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال، دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال، ۱۴۰۰، وزارت رفاه، توسعه و تعاون.
- [6] Barratt, M.J., et al. "Who uses digital drugs? An international survey of 'binaural beat' consumers", Drug and Alcohol Review, 2022, 41(5): pp. 1126-1130.
- [۷] اسکندری، سمانه. «بررسی مسئله اعتماد اجتماعی به علم و عوامل مؤثر بر آن»، ترویج علم، ۱۳۹۲، ۴(۲)، صص. ۵۴-۳۹.
- [۸] سردارنیا، خلیل، کوروش بدری و سینا امینی‌زاده. «رابطه بین شبکه‌های اجتماعی و اعتماد نهادی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز)»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۴۰۱، ۱۰(۳۶)، صص. ۱۲۷-۱۰۱.
- [۹] گیدنز، آنتونی. پیامدهای مدرنیت، مترجم: محسن ثلاثی، ۱۳۸۰، تهران: انتشارات مرکز.
- [10] Lage, D.A. and L.N.C. Brant. "The growing influence of non-governmental organizations: Chances and risks", Anuario Brasileiro De Direito Internacional, 2008, 3(1): pp. 79-93.
- [11] Worms, J.P. France: Old and new civic and social ties in France. Democracies in Flux, 2002: pp. 137-188.
- [۱۲] ابراهیم‌پور، علی. روش‌شناسی جریان‌شناسی به مثابه نظریه-روشی میان‌رشته‌ای، ۱۳۹۹، نشر کتاب طه.
- [۱۳] کوهی، احمد و مهدی شریفی. آینده دینداری در ایران - روند پژوهی سند راهبردی، ۱۳۹۶، قم: مرکز برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۱۴] هاشمیان‌فر، علی و مولود هاشمی. «بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان (با تأکید بر نظریه عرفی شدن)»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۱۳۹۲، ۲۴(۱)، صص. ۱۷۶-۱۵۳.
- [۱۵] سلیمی‌فر، مصطفی، حامد حسینی و وحید ارشدی. درآمدی بر ابعاد بخش سوم در اقتصاد و نگاهی به عملکرد نهادهای خیریه در شهر مقدس مشهد. ۱۳۹۵، اولین همایش خیر ماندگار.
- [16] Baptista, J.P. and A. Gradim. "Understanding fake news consumption: A review", Social Sciences, 2020, 9(10).

گزیده سیاستی

شناسایی مسائل نوپدید آینده به‌مثابه راداری برای دریافت سیگنال‌های ضعیف از آینده و فهم صحیح از جهت‌گیری تغییرات آینده است. رصد مستمر این مسائل می‌تواند به بینش آینده‌نگرانه در مجلس شورای اسلامی کمک بسزایی کند.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی بازار نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majlis.ir

وبسایت: rc.majlis.ir